

درباره قانون نگار

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بخش اول : درباره کلیات پیشنهادی قانون کار

نهد .
 اگر آنچه که به نام قانون کار تدوین می شود دست سرمایه داران را در چپاول لجام گسیخته باز بگذارد ، آنها کشور را براه سرمایه داری و وابستگی سوق می دهند و استقلال کشور و تمام انقلاب را به نابودی می کشانند . اگر امروز قانون دست سرمایه دار را در چپاول کارگران ننهد آنها زالووار شیره جان کارگران را می مکند . نیروی کار را برباد می دهند ، بحران اقتصادی و بیکاری را تشدید می کنند و ثبات زندگی و امنیت اجتماعی میلیونها زحمتکش را نابود می کنند .

قانون کار انقلابی حقوق کارگران را تامین می کند به طمع کاریها دزدیها و چپاولگریهای سرمایه داران لجام می زند . اگر دست سرمایه داران در بهره کشی از کارگران باز باشد ، اگر هر سرمایه دار آزاد باشد که هرطور خواست عمل کند هزاران کارگر و زحمتکش ، قربانی سوجدویی سرمایه داران می شوند . برای سرمایه داران ساله سهم کب سود است . آنها برای بردن سود بیشتر حتی حاضرند زندگی میلیونها کارگر را هم تپاه بسازند . قانون کار باید حافظ زندگی و معیشت کارگران نه چپاولگری سرمایه داران باشد .

بنا به این دلایل است که بیش از ۵ میلیون کارگر کشور ما ، توده های دهها میلیونی مردم زحمتکش و همه کسانی که دلسوز انقلابند در این روزها که موضوع قانون کار بحث مهم روز است سرنوشت خود را در سرنوشت این مبارزه می بینند و می خواهند قانون کار درخور انقلاب و پاسخگوی انتظارات و خواستهای آنان باشد .

امروز در این انقلاب ، توده های وسیع مردم زحمتکش با حضور در صحنه می خواهند و می کوشند انقلاب را زنده نگاهدارند و آن را به پیش برند . تکیه گاه اصلی انقلاب همین توده های مردمند . اوضاع نبرد در جبهه قانون کار از این نظر بسیار امیدبخش و دلگرم کننده است . رشد سطح آگاهی و گسترش وسیع تشکلهای مستقل کارگری و شرکت توده وسیع کارگران در مبارزه در راه دست یابی به یک قانون کار انقلابی عامل اصلی این امید و دلگرمی است . حضور وسیع توده کارگران در میدان مبارزه بر سر قانون کار تا همین امروز پیروزیهای بزرگی کسب کرده است . تلاش مخالفین جهت گیری مردمی و ضد امپریالیستی امام خمینی بطور کلی و مدافعان پیش نویس آقای توکلی بطور مشخص ، برای تحمیل یک قانون کار ضد قانون اساسی و ضد کارگری به نیروی خواست و تلاش

پیشگفتار

" یکی از شاخص ترین معیارها برای شناخت حد ژرفی انقلاب ، حقوقی است که برای کار تامین و تضمین می شود (از طرح برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در ماههای جاری مساله قانون کار و پیش نویسی که آقای توکلی وزیر کار و امور اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران با کمک دوستان و همفکران خود تهیه کرده است ، در همه محافل اجتماعی به ویژه در محیط های کارگری وسیع مطرح است . بحث درباره قانون کار از جلسات هیات دولت گرفته تا جلسات وسیع کارگری در کانون های شورایی و سندیکاها شدت ادامه دارد . مبارزه حادی میان توده وسیع کارگران کشور ما با جبهه متحد سرمایه ، با خط مدافع سرمایه داران در گرفته است . نتایج این بحث و سرانجام این مبارزه برای آینده انقلاب و برای زندگی مردم زحمتکش اهمیت کاملاً ویژه ای دارد . در واقع می توان گفت در این مبارزه اگر خط مدافع از سرمایه داری و سرمایه داران پیش برود و امثال قانون کاری که آقای توکلی نوشته است تصویب شود در نهایت ، یکی از موثرترین و دردناکترین ضربات به انقلاب ، به قانون اساسی و به توده طبقه کارگر وارد می آید . اگر در این مبارزه قانون کار روح و نص قانون اساسی را منعکس کند و جانب کارگران را داشته باشد انقلاب به یکی از بزرگترین پیروزی و پیشرفت های خود دست خواهد یافت .

راستی چرا قانون کار تا این حد اهمیت دارد ؟ قانون کار ، اگر جوهری انقلابی داشته باشد ، یکی از شفاف ترین آئینیهاست که حد پیشرفت انقلاب را منعکس می کند . قانون کار اگر واقعاً انقلابی و در شان انقلاب باشد اهرمی خواهد بود که می تواند رشد سرمایه داری را محدود کند و به رشد شکوفایی اقتصاد کشور ما و رسیدن به استقلال و عدالت اقتصادی کمک کند . و در بهبود وضع زندگی زحمتکشان ، به ویژه طبقه کارگر تاثیرات بسیار مهمی برجای

طبقه کارگر هر روز شکست تازه‌تری را متحمل می‌شود. در این جبهه در ماههای اخیر تناسب نیروی حق و باطل بکلی برهم خورده است. طبقه کارگر میهن ما خود را کشف می‌کند، کارگران طعم شورانگیز و شیرین اتکای بخود را تجربه می‌کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این مبارزه کمک به رشد شناخت و گسترش تشکلهای کارگری را مهمترین وظیفه انقلابی در این عرصه می‌داند و بدین منظور نظرات خود را درباره قانون کار و قانونی که شایسته این انقلاب بزرگ مردم ما باشد، قانونی که پاسخگوی زحمتکشان باشد، صادقانه و صریح بیان می‌دارد. به این امید که اتحاد جبهه مدافع محرومان و مستضعفان با مبارزه بی‌امان خود در جبهه قانون کار موفق شود کوشش‌های ضدانقلاب و محافل راستگرای طرفدار سرمایه‌داران غارتگر را برای تحمیل یک قانون ضدکارگری و ضد مصالح انقلاب خنثی سازد و انقلاب را به پیروزی عظیم دیگری برساند.

پیش‌نویس قانون کار، آئینه عمق و دامنه وسیع ستیز خط‌ها

میلیونها کارگر و زحمتکش میهن ما می‌بینند از زمان به زیر کشیدن نهضت، "آزادی آمریکایی" و باند بنی‌صدر از راس حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تا امروز به تدریج از نو دو خط سیاسی مختلف هر روز بیشتر از روز قبل از یکدیگر متضاد می‌شوند. هر یک از دو خط اهداف جداگانه‌ای را دنبال می‌کنند. یک خط همان خط اصول ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی است که در میان توده‌ها پایگاه وسیع و در نهادهای دولتی و انقلابی حضور دارد و خواهان ادامه پیگیرانه مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و انجام اصلاحات بنیادین در مناسبات اجتماعی و اقتصادی است. این خط می‌خواهد دست ارباب از ده کوتاه بشود، تجارت خارجی در دست تجار خصوصی نباشد و دولتی شود، زمین‌های شهری وسیله غارت مردم نباشد، جلوی جهاولگری کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان که پایگاه عمده امپریالیسم هستند، گرفته شود و زندگی پر رنج میلیونها کارگر و دهقان و بیخود میهن ما بهبود یابد. این خط خواهان پیخرفت انقلاب است.

درباره قانون کار و مسائل کارگری نیز این خط طرفدار آن نیست که دست سرمایه‌داران و جهاولگران در غارت بی‌بندوبار کارگران باز باشد برجسته‌ترین نمونه‌های این ایده‌آل‌ها و این نوع موضع‌گیری‌ها در سخنان ورهنمودهای رهبر انقلاب منعکس است. به ویژه سخنان امام خمینی درباره مسائل کار و کارگری به بارزترین شکل ممکن خصلت مردمی خط امام را آشکار می‌سازد. امام خمینی در اولین ماههای پس از پیروزی انقلاب خطاب به کارگران می‌گویند: "اسلام عزیز است که برای شما قائل است و برای شما حق قائل است. و حقوق شما را به شما رد خواهد کرد. بگذارید اسلام تحقق پیدا کند، بگذارید ریشه‌های گندیده استبداد و استعمار

فروریزد ، گنده بشود ، بگذارید اشخاصی که می‌خواهند برای دیگران کار کنند فلج بشوند . شط برادران ما هستند ، شما باید این مملکت را اداره کنید

در مقابل این خط مردمی که بر "حق" کارگران تکیه می‌کند و به کارگران نوید "اداره مملکت" را می‌دهد ، خط دیگری قرار گرفته است که صراحتاً می‌گوید "ما به کارگران باج نخواهیم داد" . این خط تمام تلاش خود را بکار انداخته تا نگذارد نظامات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه طاغوتی آریامهری به سود محرومان تغییر کند . طرفداران این خط می‌خواهند راه پیشرفت انقلاب را سد کنند آنها می‌خواهند دست کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را در غارت مردم زحمتکش مثل سابق باز باشد . آنها نیز در مجلس شورای اسلامی و در بعضی از نهادها و وزارتخانه‌ها موضع گرفته‌اند و در میان آتشاز مرفه جامعه از جمله در میان زمینداران و سرمایه داران و تجار نیز پایگاه دارند . آنها با اصلاحات ارضی ، با دولتی شدن بازرگانی خارجی و با سایر قوانینی که می‌تواند غارتگری لجسام - گسخته سرمایه داری را مخلوط کند ، بشدت مخالفت می‌کنند .

در مورد قانون کار این خط تلاش دارد قانونی را بگذراند که در لنگه در را بروی غارتگری بی‌بندوبار سرمایه داران باز بگذارد و به آنها کمک کند تا آنها که جا دارد کارگران و زحمتکشان را بچاپند و هیچ مانع و رادعی هم در مقابل خود احساس نکنند . پیش نویس قانون کاری که آقای توکلی نوشته است تاکنون نه تنها با مخالفت هیچیک از نمایندگان شناخته شده این خط روبرو نشده است ، بلکه در اینجا و آنجا شنیده می‌شود که آنها به دفاع از این پیش نویس برخاسته‌اند .

توده کارگران هر روز که می‌گذرد بیشتر از پیش پی می‌برند که همه کسانی که در مجلس شورای اسلامی و در دیگر نهادهای جمهوری اسلامی حضور دارند با حرف‌های آقای توکلی درباره قانون کار موافق نیستند . آنها در همین حال می‌بینند که آقای توکلی تنها نیست و کم نیستند کسانی که از پیش نویس بشتیانی می‌کنند و خیال تحمیل آن را به کارگران دارند . کارگران درمی‌یابند که خط توکلی‌ها از جانب یک جناح نیرومند که با سمت گیری مردمی خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران موافق نیست بشدت حمایت می‌شود .

نکته قابل توجه و در عین حال درخور اهمیت در مبارزه‌ای که با حدت تمام بر هر مسائل سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی موجود

جریان دارد آن است که هر دو خط در جمهوری اسلامی ایران روی "فقه اسلامی" و "موازین شرعی" تکیه می‌کنند . موافقان و مخالفان تقسیم اراضی بزرگ مالکان ، دولتی کردن بازرگانی خارجی قانون کار انقلابی و دیگر مسائل مهم اجتماعی - اقتصادی هر دو "موازین شرع" را ملاک اثبات صحت مواضع خود قرار می‌دهند لکن واقعیت غیرقابل انکار آن است که برداشت‌های متفاوت و گاه متضادی از "موازین شرع" و از "اصول فقه اسلامی" وجود دارد . همه ما می‌دانیم که شریعتمداری هم مدعی "اسلامی بودن" و رعایت "موازین شرع" است اما حرف و عمل وی در تمام مسائل مهم سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی با حرف و عمل رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مرجع تقلید شیعیان جهان بکلی متفاوت است . همه می‌دانیم که گروه مهمی از روحانیون محافظه کار یا اساس نظرات آیات شهید مرتضی مطهری ، دکتر بهشتی که "اقتصاد اسلامی" را یک اقتصاد "غیر سرمایه داری" توصیف می‌کنند ، و معتقدند "جامعه اسلامی" یا نظامات غارتگرانه سرمایه داری موافق نیست ، بشدت مخالفت می‌کنند .

در این روزها این مساله که اقتصاد اسلامی چیست و چه تفاوتی با اقتصاد سرمایه داری و اقتصاد سوسیالیستی دارد بحث حادی است که در رسانه‌های گروهی و محافل سیاسی - مذهبی دنبال می‌شود . در این میان توده کارگران کم کم متوجه می‌شوند که حرف‌های کسانی چون توکلی و عسکراولادی‌ها درباره "اقتصاد اسلامی" و "جامعه اسلامی" ذرواقع بیان دیگری است از همان اقتصاد و جامعه بی‌بندوبار سرمایه داری که سالهای سال طعم تلخ آن را در رژیم شاه چشیده‌اند .

جریان راستگرای مخالف خط امام نه تنها در عرصه های

اجتماعی و اقتصادی ، بلکه در مسائل عقیدتی و برداشت از مواضع اسلام نیز می‌رود که به تعبیر دیگری جز مواضع خط امام چنگ زند . امروز جدایی و ستیز دو خط در جمهوری اسلامی ایران بر مصلح شعارهای اسلامی گسترش می‌یابد . دو برداشت متفاوت از اسلام یکی انقلابی و مردمی و دیگری غیرانقلابی و محافظه کارانه و واپسگرا در مقابل هم قد می‌کشند . در این ستیز بیش از پیش آشکار می‌شود که تشریت و انکار تحول بنیادینی که پیدایی سرمایه داری در شرایط زندگی اجتماعی پدید آورده است در این انقلاب به حربه مهم سرمایه داری در دفاع از موجودیت خود بدل شده است . اسلام انقلابی که خواهان حفظ انقلاب ، یعنی ایجاد دگرگونی‌های

عمیق در جامعه بازمانده آریاسهبری است ، راه خود را از اسلام واپسگرا که خواهان بازگشت به جامعه آریاسهبری یعنی خواهان حفظ تمام نظامات غارتگرانه سرمایه‌داری وابسته است بیش از روز پیش جدا می‌کند . در این رویارویی که با حدت فزاینده‌ای جریان دارد قانون کار یکی از عرصه‌هایی است که به ناگزیر جدایی این دو خط را بازم بیشتر تشدید می‌کند و به آن عمق و دامنه وسیع تری می‌دهد . کارگران آگاه که با شتاب فزاینده‌ای در تشکلهای کارگری گرد هم می‌آیند ، امروز بیش از پیش تفاوت وسیع و روزافزون خط راستگرای واپسگرا را از خط‌خدا مپریالیستی و مردمی امام خمینی تمیز می‌دهند و با هشجاری و قاطعیت بیشتر جانب خط امام را می‌گیرند و آن را تقویت می‌کنند . کارگران آهسته‌آهسته ابعاد دو برداشت متفاوت از اسلام را درک می‌کنند و خواهان آن می‌شوند که قانون کار با استفاده از برداشت‌های ترقی‌خواهانه و اصل پیروان شناخته‌شده خط امام خمینی تدوین و تنظیم شود . کارگران در این مبارزه حادی که بر سر مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی در میهن ما درگیر است از خط امام در برابر جریان راستگرای مخالف که از جمله پشت پیش‌نویس آقای توکلی ایستاده است پیگیرانه پشتیبانی می‌کنند .

گرایش لیبرالی در نظرات آقای توکلی و جریان راستگرای مخالف خط امام

مسئله‌ای که هر روز برای کارگران ما روشن‌تر می‌شود آن است که اختلاف جریان راستگرای مخالف خط امام با مسلمانان انقلابی هرگز به دو برداشت متفاوت از " فقه اسلامی " و " موازین شرع " محدود نیست . توجه دقیق‌تر به این اختلالات ، به‌ویژه وقتی جریان راستگرای مخالف خط امام درباره مسائل مهم زندگی اقتصادی ، حدود اختیارات و وظایف دولت و نظامات و مناسبات میان اقشار جامعه صحبت می‌کند ، بوی تعفن لیبرالیسم گنبدیده‌ای را به مشام می‌زنند که سالهای سال نمایندگان طبقات سرمایه‌دار زیر علم آن سینه زده‌اند . کارگران و همه زحمتکشان میهن ما به تدریج درمی‌یابند که در واقع بحث‌های حادی که درباره " اقتصاد اسلامی " و " جامعه اسلامی " درگیر است در واقع مبارزه‌ای است میان یک جریان که مدافع سرسخت لیبرالیسم اقتصادی است و بطرز ماهرانه‌ای زیر نقاب " موازین شرع " پنهان شده و یک جریان اصل مردمی و انقلابی که با بی‌بندوباری لیبرالی و با فارتگری لجام‌کسیخته کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان مخالف است و می‌کوشد جلوی آن را به سود محرومان بگیرد .

آنچه که جریان راستگرای مخالف خط امام درباره مناسبات میان کارگران و کارفرمایان و بطور کلی درباره نقش دولت در اقتصاد می‌گوید بی‌کم‌وکاست عین همان حرف‌های لیبرالیست است . تمام تلاش افرادی چون توکلی و پشتیبانانش آن است که از هرگونه دخالت دولت در مناسبات میان کارگران و کارفرمایان جلوگیری کنند ، نقش دولت را در اقتصاد کاهش دهند و حتی به صفر برسانند . شعار اساسی آنها این است که " دولت کارفرمای خوبی نیست " " دولت تاجر خوبی نیست " " دولت مدیر خوبی نیست "

دولت نباید در مسائل اقتصادی خود را میداندار کند و از این قبیل حرفها - آقای توکلی و حامیان برجسته ایشان اصل را بر "توافق" و "ترازی" میان کارگر و کارفرما قرار داده است و مدعی است باید اجازه داد کارگران و کارفرمایان خودشان با یکدیگر به "توافق" برسند و دولت نباید در این کارها مداخله کند.

کسانی که با تاریخ، اندک آشنایی داشته باشند، می دانند که این شعارها و این توجیهات را بورژواهای اروپا پیش از یک قرن پدک کشیده اند. از اواخر قرن ۱۸ تا اواخر قرن ۱۹ در اروپا جریان های بورژوازی اروپا همگی زیر شعار "لسه فر" (امور را به حال خود بگذارید) سینه می زلغند. آنها یک قرن برای عدم مداخله دولت در امور مربوط به روابط میان کارگر و کارفرما کوشش می کردند و مقررات حافظ سروی کار را تجاوز به حریم "آزادی" تعریف می کردند. لیبرالهای اروپا در تمام این مدت تا آنجا که نوانستند جلوی شکل صنفی کارگران ایستادند. در یکصد و پنجاه سال پیش لیبرالهای اروپایی هم با شعار "ما در جامعه متمدن، سندیکا مندیکا نداریم" به جنگ تشکل کارگران می رفتند. برای کارگران ما مطالعه سارره کارگران اروپا برای بدست آوردن حق تشکلی انجمن صنفی که در اوایل قرن ۱۹ در سراسر اروپا با حدت تمام جریان داشته است بسیار آموزنده است. آقای توکلی و شرکا یکصد و پنجاه سال از هم نوعان اروپایی خود عقب ترند.

اینکه جریان راستگرای مخالف خط امام ماهیت لیبرالی پیش نویس توکلی را کتمان می کند و خود را طرفدار "موازیین شرع" جا می زند نباید ما را فریب دهد. اندکی توجه و دقت کافی است که هر کس بفهمد جوهر دیدگاههای این جریان در زمینه اقتصاد همان دیدگاههای لیبرالهای عقب مانده و مرتجع است که سالهای سال در اروپا شعار عدم مداخله را پدک کشیده است. آقای توکلی طرفدار "لسه فر" است ریش و تسبیح و الفاظ مذهبی ایشان فقط وسیله ای هستند برای پنهان کردن این شعار لیبرالی.

لیبرالهای وطنی ما، از قماش نهضت آزادی و جنبه ملی در ماههای بعد از انقلاب تمام هم و غم خود را صرف سازش با آمریکا و ایجاد دشمنی با اتحاد شوروی می کردند. به همین دلیل بود که وقتی انقلاب دوم شروع شد و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا بالا گرفت لیبرالها به عنوان سازشکاران شناخته شدند. در آن روزها مسائل اقتصادی هنوز به این حدت مطرح نبود. لذا مردم جریان

لیبرالی را از جریان خط امام بیشتر با شعارهای سازشکارانه اش که در رابطه با امپریالیسم آمریکا داشت، شناختند. پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی موضع مخالف جریان لیبرالی را در قبال شعار "مرگ بر آمریکا" افشا کرد. جریان لیبرالی از انقلاب دوم تا سقوط بنی صدر ضربات مهملی دریافت کرد. اما چهره و مواضع این جریان که موربانه انقلاب است بطور کامل افشا و تسخیر نشد. در آن دوره که هنوز مبارزه بر مسامیل به این حدت مطرح نبود مواضع لیبرالیسم اقتصادی پنهان ماند. بسیاری از طرفداران - حفظ آزادی بی بندوبار سرمایه داران و ملاکین و بازگذاشتن دست آنها در غارت مردم موفق شدند خود را به انقلاب جابزنند و مواضع خود را در حکومت حفظ کنند. لیبرالهای ناشناخته و نوچهره برای مخالفت با سیاست و مواضع پیروان خط انقلابی امام خمینی ترجیح دادند ضمن دشنام گویی ظاهری به لیبرالیسم همان شعارهای آنها را در مورد نظامات اجتماعی - اقتصادی جمهوری اسلامی بگیرند و روی آن به جای عنوان لیبرالی عنوان "اسلامی" و "شرعی" بگذارند تا دیرتر افشا شوند. اما طولی نخواهد کشید که مردم و بخصوص طبقه کارگر وسعها دریابد که اصل "ترازی" و "اختیار" آقای توکلی و حامیانش همان اصل اساسی لیبرالیسم پوسیده ای است که تحت عنوان "لسه فر" و "عدم مداخله دولت" توسط جریان های مدافع سرمایه داری نگهبانی شده است. آقای توکلی در واقع مدعی است که باید کارگران و سرمایه داران را آزاد گذاشت که مسائل فیمابین را خودشان حل کنند و قانون نباید جلوی آنها را بگیرد. کارگران خوب درک می کنند که این نوع آزادی در واقع همان آزادی بی بندوبار لیبرالی سرمایه داری است. کارگران به این "دنیا ی آزاد" قاطعانه "نه" می گویند. این آزادی "آزادی غربی" است: آزادی واقعی برای چپاولگران و اسارت واقعی برای مردمی که زحمت می کنند.

پیش نویس صراحتا خواستار عدم دخالت دولت در مناسبات میان اقتدار و طبقات جامعه و در راس همه سرمایه داران و کارگران است. و این یک تفکر لیبرالی محض است. لیبرالها دولتی می خواهند که فقط وظیفه "حفظ نظم و امنیت" را بر عهده گیرد و در مناسبات میان کار و سرمایه دخالت نکند. لیبرالها با قوانینی که دولت را ملزم به شرکت فعال در حیات اقتصادی و مناسبات اجتماعی می کند بشدت مخالفند. لیبرالها خواهان قوانینی هستند که تمام اختیار امور را به دست سرمایه داران بشارد و دولت در اقتصاد کمترین

نقش را برعهده گیرد. درحالیکه انقلابیون عصر ما خواهان ایفای نقش دولت در شئون اساسی زندگی اجتماعی - اقتصادی هستند. قانون در هر حال فرمان حکومت است به اقتدار و طبقات جامعه. اما قوانینی که لیبرالها می نویسد کارگران و زحمتکشان را که اکثریت مردم را تشکیل می دهند به اطاعت از اوامر سرمایه داران که اقلیتی ناچیز هستند. فرامی خواند. لیبرالها از قدرت دولتی استفاده می کنند که کارگران را به اطاعت از حکم سرمایه دار وادار سازند. قوانینی که انقلابیون عصر ما می نویسند رعایت حال و ادای حق اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان را " اصل " قرار می دهند و از قدرت دولتی استفاده می کنند که تمام آحاد جامعه را به رعایت این اصل مجبور کنند. امروز انقلابیون ما خوب می دانند که فکر کسانی که سیاست را - (یعنی اموری را که به امر دولت و حکومت مربوط است) چیزی جز برخورد با مسائل اساسی زندگی اقتدار و طبقات جامعه بشمار می آورند بسیار غلط ، خطرناک و فریبکارانه است . دولت ، گرداننده سیاست کشور است ، دولت انقلابی قانون کار را طوری تدوین می کند که دست سرمایه داران را در چپاول بی سد و بار و لجام گسیخته کارگران بندد . دولت انقلابی اختیارات سرمایه داران را محدود و حق کارگران و زحمتکشان را رعایت می کند در حالیکه لیبرال ، قانون کار را طوری تدوین می کند که دست سرمایه دار را باز بگذارد که " آزاد " باشد دست و پای کارگران را در " قرارداد " بیند . سرتاسر پیش نویس ، تمام تفکر آقای توکلی و پشتیبانان پیش نویس مشحون از همین افکار لیبرالی است .

معنای واقعی اصل " توافق و تراضی " چیست؟

آقای توکلی بر اساس تفکر لیبرالی خود می گوید باید کارگر و کارفرما را آزاد گذاشت که هرچور دلشان خواست با یکدیگر کنسار بیایند . وزیر کار و هفکرائش می گویند " باید رضایت طرفین جلب شود . اصل ، تراضی است " راستی هم که چه چیز بهتر از " توافق " میان کارگر و کارفرما ؟ ما هم البته کاملاً با اصل ، قرارداد " تراضی و توافق " موافقیم منتضی به یک شرط . به این شرط که اختیار و ساهل تولید جامعه در دست اشخاص نباشد . تنها به این شرط که وسائل تولید در اختیار جامعه باشد . در این صورت به عقیده ما در چنان شرایطی نه تنها هیچ اشکالی ندارد قرارداد دسته جمعی کار میان کارگران و مدیریت بر اساس اصل توافق و تراضی طرفین بسته شود . بلکه در چنان شرایطی بستن چنین قراردادهایی می تواند اساس مناسبات میان کارگران و مدیریت را تعیین کند و خیلی خوب هم تعیین می کند .

اما آقای وزیر نه تنها با این اصل موافق نیست که وسائل اصلی تولید از جمله زمین و انفال بطور کلی ، کارخانه ها ، وسائل عمده حمل و نقل ، هواپیمایی ، راه آهن ، کشتیرانی و ... در اختیار دولت باشد و هیچکس حق جنگ انداختن و به انحصار در آوردن آنها را نداشته باشند ، بلکه تحت عنوان این شعار که " دولت کارفرمای خوبی نیست " مالکیت حد کمی ندارد " و از این قبیل سعی دارد هرچه بیشتر وسائل تولید را از دست دولت خارج کند و به دست سرمایه داران بپسارد .

یک نگاهی به شهر تهران بماندازید ببینید وضع چگونه است این شهر حدود ۷ - ۶ میلیون جمعیت دارد که بیش از نیمی از آنها ، نان کارگری را می خورند . آنها بجز دو بازوی کارگری هیچ وسیله

دیگری برای تامین معاش ندارند. وسائل معاش از جمله ماشین آلات، ساختمان ها، زمین ها، مواد اولیه، هیچکدام در اختیار آنها نیست. بدون وسیله تولید، یعنی بدون ماشین آلات بدون ساختمان کارگاه و کارخانه، بدون زمین، بدون مواد خام، هیچ چیز نمی توان تولید کرد. کارکردن بدون وسائل تولید غیر ممکن است. آقای توکلی در قاموس خود تمام این وسائل را می گذارد در اختیار سرمایه دار و یک مارک "حلال" و "مشروع" هم روی آن می چسباند، آنگاه از اصل تراضی و توافق صحبت می کند.

جامعه که بدون تولید زنده نمی ماند. همه ثروت های اجتماعی محصول کار و کوشش است. کارکردن هم وسیله می خواهد، وسیله هم در دست سرمایه دار است. در جامعه سرمایه داری صبح که میلیونها کارگر زحمتکش در شهرها دنبال کار راه می افتند هر جا قدم می گذارند صاحب زمین و ساختمان به آنها می گوید ببخشید اینجا مال من است فقط با اجازه من می توانید اینجا کار کنید، به هر مائینی دست می زنید صاحب آن مائین می گویند: ببخشید، این مائین مال من است فقط با اجازه من می توانید روی آن کار کنید، برای کارگران "ظاهرا" دوراه بیشتر باقی نمی ماند: یا از کارکردن منصرف شوند و گرسنگی را تحمل کنند به استقبال مرگ بروند. یا از "صاحب مال" (یعنی سرمایه دار) اجازه بگیرند. پس "باطننا" در واقع یک راه بیشتر در مقابل کارگران وجود ندارد. آنها برای اینکه کار کنند مجبورند از کسانی که وسائل کار و تولید را در اختیار خود گرفته اند "اجازه بگیرند" کارگران برای بدست آوردن کار مجبورند رضایت شخص صاحب وسائل کار را جلب کنند، و اگر جلب نکنند، یعنی اگر به شرایطی که سرمایه داران تعیین می کنند تن ندهند کاری گیر نخواهند آورد. بدین ترتیب در جامعه ای که اصل این است که که وسائل کار و تولید در دست بخش خصوصی و بخش دولتی "مکمل" و در خدمت بخش خصوصی باشد، صحبت کردن از اصل "توافق و تراضی" در واقع امر چیزی جز دروغگویی و فریبکاری نیست. در چنین جامعه ای اگر قراردادی میان کارگران و سرمایه دار (یعنی کسی که وسائل کار را در چنگ خود گرفته) بسته شود در واقع امر این قرارداد عبارت است از تن دادن کارگران به شرایطی که سرمایه داران تعیین می کنند. و در شرایط دسبای آزاد و بی بندوبار سرمایه داری در شرایطی که هیچ عاملی، نه دولت و نه سازمانهای کارگری برای

سرمایه دار محدودیت ایجاد نکنند سرمایه دار تنها به این "شرط" رضایت می دهد که کارگران برای او کار کنند که کارگران "رضایت" دهند تمام حاصل کار خود را به سرمایه دار دهند و به جای آن فقط یک حداقل بخور و مسوری در کمترین حد ممکن دریافت کنند. (آقای توکلی صراحتا می گوید اگر کارگر و سرمایه دار بر سر تعیین دستمزد اختلافشان شد همیشه باید حرف سرمایه دار پذیرفته شود) بدین ترتیب می بینیم که مراجعه کارگر به "صاحب" وسائل کار و تقاضای کار از وی فقط و فقط ناشی از "غرض و حرج" است. ناشی از تنگدستی است، هرکس در جامعه بی بندوبار سرمایه داری، که همه وسائل کار در دست عده ای سرمایه دار است، بگوید "قرارداد کار میان کارگر و صاحب کار، بر اساس توافق و تراضی" است او دروغ می گوید و هدف او نیز چیزی نیست جز پنهان کردن و پوشانیدن گناهت و ظلم جامعه سرمایه داری و فراهم کردن شرایط و زمینه های استمرار غارت و زورگویی سرمایه داران از طریق اغفال کارگران و به تسلیم کشانیدن آنها.

الته حتی در جامعه سرمایه داری خالص هم کارگران به راحتی تن به این ظلم بی حد و حصر نداده اند. و نمی دهند. آنها هم درصدد چاره برمی آیند، البته چاره آنها کار نکردن نیست، آنها سان آور خانواده خود هستند، چاره آنها در وحدت و تشکیلات است. در زمانی که سرمایه داری در جهان پدید آمده است یگانه حربه موثر کارگران در مقابله با اجحافات و باج خواهی سرمایه داران عبارت بوده و هست از ایجاد تشکل های کارگری و استفاده از نیروی جمعی کارگران. اگر کارگران متفرق باشند در برابر حرف سرمایه دار کوچکترین کاری از دست آنها بر نمی آید، چون سرمایه دار هر کارگری را که حاضر نشد به شرایطی تن بدهد و رضایت او را جلب کند اخراج می کند و به جای آن کارگر دیگری را استخدام می کند که احيانا به علت مقاومت فردی در مقابل سرمایه دار اخراج شده و مدتی گرسنگی کشیده و دوباره مجبور شده است با شرایط قبلی به سرمایه مراجعه کند.

اما اگر کارگران در یک تشکل کارگری متحد باشند، و همه از هم پشتیبانی کنند، دیگر سرمایه دار نمی تواند هر وقت میلش کشید کارگر را اخراج کند. اگر کارگران سازمان کارگری داشته باشند می توانند جلوی امر و نهی سرمایه دار بایستند، روی حرف او حرف بزنند. در این صورت اگر سرمایه دار خواست به کارگر زور بگوید

کارگران با نشان دادن واکنش جمعی ، با تهدید به دست از کار کشیدن و اگر حرف حقیقتان به گوش سرمایه دار نرفت با دست از کار کشیدن ، سرمایه دار را وادار می کنند که حق آنها را بدهد . هم از اس روست که آقای توکلی و تمام جبهه سرمایه داران در مقابل خواست طبقه کارگر سرسختانه مقاومت می کنند که " شورا بی شورا " و " یا " ما در اسلام سندیکا نداریم ، نظام ولایتی داریم

می بینیم آشی که آقای توکلی می خواهد به خوردن طبقه کارگر ما بدهد خیلی شور است . آنقدر شور است که حتی طاغوثیان زخم - خورده و به فرنگ گریخته به ایشان دست مریزاد می گویند . آقای توکلی از یک طرف می خواهد پای دولت را در تولید و اقتصاد کنار بکشد و تحت این عنوان که دولت کارفرمای خوبی نیست وسائل تولید را تماما به مالکیت و ملکیت و انحصار سرمایه داران بخش خصوصی درآورد و از سوی دیگر می خواهد کاری کند که کارگران هیچگونه تشکلی نداشته باشند . جامعه ایده آل موعود آقای توکلی ، که متأسفانه پست وزارت کار دولت جمهوری اسلامی ایران را در اختیار دارد ، جامعه ای است که در یک طرف ، تمام وسائل تولید در انحصار سرمایه داران باشد ، و از طرف دیگر اثری از شورا پورا و سندیکا و سندیکا در بین نباشد . جامعه ایده آل ایشان جامعه ای است که دست سرمایه دار برای تحمیل هر شرطی که دلش خواست به کارگر باز باز باشد . جامعه ای که در آن سرمایه دار هر جور که میلش کشید " رضایت " کارگر را برای ادامه کار جلب کند . جامعه ای که کارگر هیچ وسیله ای ، هیچ سازمانی ، هیچ قانونی و ضابطه ای برای معافه با شرایط تحمیل شده از سوی سرمایه دار و جاره ای جز تحمل آن شرایط نداشته باشد . باز کردن راه برای سرمایه دار برای تحمیل شرایط خود به کارگر با استفاده سودجویانه از " عس و حرج " کارگر استفاده از گرسنه و بیچاره ماندن کارگر و زن و بچه اش ، خوابی است که تحت عنوان " توافق و تراضی " در پیش نویس برای طبقه کارگر ایران برای سون انقلاب ایران دیده است .

پیشنویس قانون کار ضد روح قانون اساسی و
اهداف انقلاب است

پیشنویس قانون کار که از سوی مسئولان طراز اول وزارت کار و امور اجتماعی تدوین و انتشار یافته است چیزی نیست جز یک دهن کجی توهم آمیز به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران . آقای توکلی با امضاء گذاشتن زیر این پیشنهاد مخالف خود را با روح و نص قانون اساسی اعلام کرده است . برای نشان دادن ضدیت خصمانه این پیشنهاد با قانون اساسی کنکاش و جستجوی ربادی لازم نیست سراپای این پیشنهاد اعلان جنگ به قانون اساسی است تا حال در جمهوری اسلامی ایران در کار تدوین قوانین عادی رسم بر این بود که در فصل اول کلیات طرحها و لوایح قانونی را به اصول قانون اساسی مستند و هدف از تدوین آن را اجرای اصول مربوطه قانون اساسی اعلام کنند .

آقای توکلی در پیشنهادی که برای یکی از مهمترین قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران تهیه کرده است از ب بسم الله آن تا نای نیت بکلی قانون اساسی را " منسی " کرده است . در هیچ کجای این قانون هیچ اشاره و استناد صریح صحیحی به قانون اساسی نشده است و اگر شده است تحریف آشکار نص و روح آن است این شیوه برخورد دو دلیل می تواند داشته باشد :

اول اینکه چون تدوین کنندگان این پیشنهاد با نص و روح قانون اساسی مخالفند به همین دلیل استناد و اتکای به قانون اساسی را در این پیشنهاد در نظر نداشته اند لذا قانون اساسی را بکلی کنار گذاشته اند .

دوم اینکه این طرز برخورد تدوین کنندگان پیشنهاد با قانون اساسی می تواند در جهت روحیه دادن به سایر مخالفان قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران نیز تاثیر کند . آقای توکلی با این کار حواسته است به اصطلاح در میان مخالفان قانون اساسی

از جمله استخدام، اخراج و خرید و فروش و سایر وسائل
(گفتار رادیویی - ۲۰ مهر ۶۱)

مطابق اصل سوم قانون اساسی :

"پی‌ریزی اقتصادی صحیح برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و بهداشت و تعمیم بیمه" وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران شناخته شده است. لاکس آقای توکلی کوچکترین وظیفه‌ای در این زمینه‌های بسیار اساسی برعهده دولت جمهوری اسلامی ایران قرار نداده است. پیش‌نویس قانون کار نقش دولت را در تنظیم مسایات کار تا حد یک ناظر بظرف تنزل داده است. در برابر قانون هیچ نشانی از تمهد و مسئولیت و تکلیف و وظیفه دولت که ایسعه قانون اساسی بر آن تاکید دارد، به چشم نمی‌خورد. وزیر کار دولت جمهوری اسلامی ایران در رد وظیفه دولت جمهوری اسلامی در زمینه پی‌ریزی اقتصادی صحیح برطبق ضوابط اسلامی در جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در سمنار مدیران صنایع ادعا می‌کند :

"دنیا محل آزمایش بنندگان خداست. هرکس مختار است در این عرصه خود را بیازماید اختلاف سطح میان آزمایش‌شوندگان امری ناگزیر است."

و یا در جمع کارگران در وزارت کار می‌گوید :

"در اسلام بین فقیر و غنی هیچگونه تضادی نیست"

در مجامع و محافل کارگری، کارگران تاکنون سارها با استناد به اصل ۲۸ قانون اساسی که می‌گوید :

"دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار فراهم کند و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید" اشاره کرده و از وزیر کار پرسیده‌اند دولت جمهوری اسلامی ایران و در درجه اول قانون کار چگونه شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد می‌نماید؟ در پاسخ این سؤال کارگران، آقای توکلی در رد این اصل مدعی شده است :

"... دنیا محل آزمایش است... اختلاف سطح میان آزمایش‌شوندگان امری ناگزیر است... و از این قبیل..."

بدین ترتیب دیده می‌شود که پیش‌نویس آقای توکلی در کلیات خود روح قانون اساسی را که نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است

"بدرخشد" و مابینطور وانمود کند که گویا "پیش‌گسوت" است. آقای توکلی در سرآغاز پیش‌نویس خود در "فصل اول کلیات" ظاهراً فراموشی از چشم تیزبین طبقه کارگر پنهان نمانده است. این روزها در محافل کارگری، کارگران در این باره می‌گویند در واقع آقای توکلی در این جو آگاه و انقلابی که در کشور به چشم می‌خورد ترجیح داده است اهداف پیش‌نویس را مسکوت بگذارد. ایتان هسور در این مرحله از پیترفت کار ظاهراً صلاح ندیده‌اند هدف خود را در این پیش‌نویس که عبارت است از بازگذاشتن دست سرمایه‌داران در غارت و چپاول بیرحمانه کارگران، صراحتاً اعلام کنند. اگر آقای توکلی یک سر سوزن به قانون اساسی پای‌بند بود "اهداف" قانون کار را در مقدمه یا در فصل مربوط به کلیات قانون کار از روی اصول صریح و متعدد قانون اساسی که امر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان را برعهده "حکومت اسلامی" قرار داده است توضیح می‌داد و معین می‌کرد. اگر آقای توکلی به انقلاب و به خون شهیدان پای‌بند بود در مقدمه قانون کاری که می‌نوشت هدف قانون کار جمهوری اسلامی ایران را محور لفظ قوانین و مقررات ضدکارگری و ضعف‌کش رزیم طاغوتی آریامهری و استمرار روابط انسانی و عادلانه در مسایات کارگران و کارفرمایان اعلام می‌کرد.

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به روشنی شوراگیزی یادآور می‌شود :

"در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست"

"تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی است"

اما از نظر پیش‌نویس قانون کار در واقع :

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل رضایت کارفرما و رفع طمع کاری‌های او در جریان رشد و تکامل سرمایه است.

قانون اساسی "تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه" را برعهده حکومت اسلامی "قرار داده است اما آقای توکلی صراحتاً در پیش‌نویس خود این وظیفه را از "عهده حکومت اسلامی" برداشته و اساساً آن را منکر شده است. آقای معتمدرضایی که یکی از طراحان اصلی پیش‌نویس است می‌گوید :

"خیلی از وظایف و مسئولیت‌ها منحصر در اختیار مالک است"

نهی می‌کند ، نه اهداف متعالی این قانون پشت می‌کند و وظایف بنیادین دولت جمهوری اسلامی ایران را برای " ایجاد کار برای همه " تأمین امکانات مساوی برای همه " ، رفع نیازهای انسان در جریان تکامل " ایجاد رفاه و رفع فقر انکار می‌کند و در قانون کار خود ، اصل را بر رضایت " صاحب کار " قرار می‌دهد . آقای توکلی درباره هدف قانون کاری که تدوین کرده سکوت کرده است . به اسم قانون کار تدوین کرده است در واقع قانون کار نیست چراغ سبزی است به سرمایه‌داران برای چپاول هولناک کارگران .

آقای توکلی به روح انقلاب وفادار نیست . توده میلیونی مردم زحمتکش ما برای " رضایت صاحب کار " انقلاب نکرده‌اند . این صاحب‌کاران " نبودند که از رژیم طاغوت زجر می‌کشیدند . این " سرمایه‌داران " نبودند که رژیم طاغوت را سرنگون کردند . این توده مردم محروم و مستضعف بودند که این جمهوری اسلامی را برقرار کردند . اصل " رضایت زحمتکشان است . فقط آنها هستند که ولی نعمت این انقلابند . انقلاب به " صاحب‌کاران " تا آنجا حق می‌دهد که زحمتکشان راضی باشند ولی آقای توکلی نه این روح انقلاب را درک می‌کند ، نه به قانون اساسی که خون‌سپای شهیدان است ، پای بند است . و نه رضایت این مردم محروم زحمتکش را آرزو دارد .

اهداف سیاسی این طرزفکر راست روانه خطرناک است .

تنبیه کنندگان پیش‌نویس قانون کار اهداف سیاسی مبینی را دنبال می‌کنند . برای آنها رسیدن به این هدف‌های سیاسی نه تنها هیچ دست‌کشی از اهداف اقتصادی پیش ندارد بلکه این هدف‌های سیاسی در خدمت اهداف اقتصادی است . پیش‌نویس قانون کار و حرکات و کارهای تدوین کنندگان آن را در نظر بگیریم . از لحاظ سیاسی این کارها چه اهدافی دارند؟

اولین نقشه آنها اینست که با این اقدامات ، کارگران را به این فکر بکشانند که " سه بار نهار غلط کردیم انقلاب کردیم " آنها می‌بهند که حق با امام خمینی است که می‌گوید : " حیات و مصامت بگ ملت موهون کار و کارگری است و کارگران ستون فقرات این انقلابند . " با این حساب آنها فکر می‌کنند که اگر بتوانند کارگران را گمراه و از انقلاب ناراضی و پشیمان کنند اگر کارگران دچار این خیال باطل شوند که رژیم طاغوت بهتر از جمهوری اسلامی است جریان راست خواهد توانست بدون هیچ مانع جدی مواضع خود را در حکومت تحکیم کند و گسترش دهد و خط ضد امپریالیستی ، مردمی و مدافع عدالت اجتماعی را از مواضع کنونی عقب براند . نقشه اساسی آقای توکلی این بود که کارگران را به این اشتباه بیاندازد که خیال کنند خط توکلی‌ها و خط امام و مجموعه حکومت جمهوری اسلامی ایران یکی است و براین اساس با اراک این پیش‌نویس به آنها بقبولاند اینست نتیجه انقلاب . اینست نتیجه مبارزات شما . آقای توکلی فکر خطرناکی در سر داشته است . او برای اجرای این فکر ، پیش‌نویسی تهیه کرده است که تقریباً تمام حقوقی را که کارگران طی ۶۰ سال مبارزه در رژیم طاغوت بدست آورده بودند لگدمال می‌کند برای اینکه کارگران خیال کنند رژیم شاه بهتر از جمهوری اسلامی بود . اگر همین می‌شد بزرگترین ضربه به

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد می‌آید. به عقیده ما اگر نقشه آقای توکلی پیش می‌رفت و کارگران دچار این تصور باطل می‌شدند، صریحاً می‌شد که به جمهوری اسلامی ایران وارد می‌آید به مراتب بیشتر از خسارایی است که امریکا و صدام به انقلاب ما وارد کرده‌اند. مردم خوب می‌فهمند که ایجاد جمهوری اسلامی ایران حاصل خون شهیدان و فریاد همی کارگران و محرومان این کشور علیه رژیم طاغوت و شیطان بزرگ امریکاست. حالا اگر در این جمهوری عده‌ای بیایند قانون کار را طوری بنویسند که خیلی بدتر از قانون کار طاغوت باشد کارگران برای باره چه خواهند گفت؟ به نظر ما اگر طبقه کارگر بیدار و هشیار باشد می‌تواند درک می‌کند که این توطئه‌ایست علیه انقلاب که باید از طریق افشا و مقابله حدی با طراحان آن بطور کامل درهم شکسته شود. اما اگر کارگران به اندازه کافی هشیار نباشند خیال می‌کند که "سه سه بار نه بار غلط کردند انقلاب کردند" و با "صد رحمت به رژیم شاه".

به نظر ما قصد مدافعان و طراحان پیش‌نویس آن نبوده است که با این کارها زیرپای خود را جارو کنند. چرا که برای اینکار روش‌های آبرومندانه هم موجود است. پیش‌نویس واقعاً می‌خواهد بخش اعظم و حتی تمام حقوق کارگران را از کارگران بگیرد و شرایطی بدتر از سابق را به کارگران تحمیل کند. اگر این خط‌پیش برود آیا کارگران نخواهند گفت "صد رحمت به رژیم شاه؟" به نظر ما بکلی معید است که آقای توکلی متوجه این مسایل نباشد.

هدف دیگر پیش‌نویس آنست که "به مرگ بگیرد که کارگران به تب راضی شوند." طراحان پیش‌نویس می‌دانند که در این جو کنونی غیر ممکن است مردم زیر بار پیش‌نویس آنها بروند. اما با این حال آن را عرضه می‌کنند. زیرا خیال می‌کنند اگر از اول کوتاه بیایند شاید مجبور شوند قسمت بیشتری از حقوق کارگران را بدهند. آنها پیش خود فکر می‌کنند از پیش‌نویسی که از قانون طاغوتی خیلی طاغوتی‌تر است شروع کنند شاید بعد از کشمکش زیاد موفق شدند چیزی در سطح همان قانون کار سابق و ماده ۳۳ و ۳۴ را جایاندازند.

واکنش طبقه کارگر در برابر این توطئه، بسیار شورانگیز و امیدبخش است. در دهها نشست کارگری بزرگ در ماههای اخیر، در صدها طومار بزرگ و کوچک که از سراسر کشور جمع‌آوری می‌شود در بحث‌های روزمره‌ای که در زیر سقف همه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها جاریست امروز کارگران با روشنی تمام پی می‌برند که آنچه که توکلی

و همفکرانش می‌گویند و عمل می‌کنند نباید به حساب انقلاب و تمام حکومت نوشته شود. کارگران درمی‌یابند که این آقای توکلی است که خلاف انقلاب و مصلحت کارگران عمل می‌کند و بگردن انقلاب به اتکای نیروی عظیم طبقه کارگر و سایر توده‌های محروم شهر و روستا زنده است و مصمم است از موجودیت خود دفاع کند.

رویدادهای چندماهه اخیر نشان می‌دهد که مبارزه فزاینده و آگاهانه کارگران تاهمین جاپیروزی‌های بزرگی بدست آورده است. نه تنها محیط خفقان زمستان و بهار گذشته شکسته شده و کوشش‌های ضدشورایی و ضدسندیکایی آقای توکلی با شکست‌های مهلکی مواجه است، بلکه پیش‌نویس قانون کار بدنبال این موجهای اخیر کارگری ضربات مهلکی خورده است. مبارزه پیکر توده کارگران و همه‌جبهه وسیع مدافعان انقلاب به یقین می‌تواند کار این گونه سیاست‌ها و این پیش‌نویس ضدکارگری و ضدانقلابی را تمام و پیکره کند. انقلاب نیرومندتر از آنست که به این دهن‌کجی‌ها تسلیم شود.

مجامع کارگری به بحث گذاشته شود

کارگران بدوستی می‌گویند اگر قانون کار ، یعنی قانونی که مناسبات بین کارگران و کارفرمایان را مشخص می‌کند ، بدون مشارکت کارگران و پنهان از طبقه کارگر تدوین شود ، بطورقطع حقوق اساسی کارگران به نفع سرمایه‌داران پایمال می‌شود .

کارگران ما امروز بیش از هر زمان دیگر درک می‌کنند که قانون اساسی ، این خوشبختی دهها هزار شهید خلق ، اگر اجرا شود ، مهمترین خواست‌های عاجل طبقه کارگر ایران را برآورده می‌سازد . هم از این‌روست که طرفداران سرمایه‌داران موافق اجرای کامل قانون اساسی نیستند آنها می‌پسند که مبارزه مدافعان و مخالفان پیشرفت انقلاب بر سر پای‌بندی به قانون اساسی و پا رهاکردن آن هر روز حادثتر می‌شود ، مخالفان پیشرفت انقلاب که منافع سرمایه‌داران را بر همه چیزمقدم قرار می‌دهند ، هر روز که می‌گذرد حملات آشکارتری را برای کنارگذاشتن قانون اساسی آغاز می‌کنند . درحالیکه مدافعان پیشرفت انقلاب که از منافع توده مردم کارگر و زحمتکش دفاع می‌کنند با تمام توان خود از حرمت قانون اساسی دفاع می‌کنند و خواهان اجرای کامل آن هستند . خواست کارگران ما منی بر سناقت‌ارگرفتن قانون اساسی در تدوین قانون کار نشانه آن است که توده مردم هر روز بیشتر متوجه دستبردها و توطئه‌هایی می‌شوند که علیه قانون اساسی ، این عالیترین دستاورد انقلاب جریان دارد تهیه این پیش‌نویس و سایر اقدامات وزارت کار در دوران نصدی آقای توکلی را نباید فقط یک تهاجم ضدکارگری بحساب آورد این پیش‌نویس درعین حال یک اعلان جنگ به قانون اساسی و در نهایت رودررویی آشکار با مصالح انقلاب است . هم از این‌روست که در تمام محافل و مجامع کارگری ، همه کانون‌های شورایی و اتحادیه‌های سندیکایی و همه مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهان آنند که قانون اساسی منای تنظیم قانون کار باشد و تمام حقوق که قانون اساسی برای کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته است در قانون کار منعقدانه منعکس شود .

کارگران ما امروز بیش از هر زمان دیگر درک می‌کنند که پیرامون کار و کارگری بطورخاص و پیرامون عمده‌ترین مسائل مهم کشور بطور اعم در میان جریان‌های درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نظرات متفاوتی وجود دارد . کارگران روز به روز بیشتر به تفاوت برداشت‌های خط‌امام از حرف‌های خط دفاع از سرمایه‌داری که ربر پوشش دفاع از شرع عمل میکند ، پی می‌برند . توده وسیع کارگران

کارگران می‌گویند قانون کار باید با مشارکت کارگران ، براساس قانون اساسی و نظریات پیروان اصیل خط‌امام تدوین شود

بحث‌های حادی این روزها در زیر سقف کارخانه‌ها و کارگاهها جریان دارد . جو کانون‌های کارگری تهران و شهرستان‌ها بهتر از هر چیز راه و روش پیشنهادی توده کارگران میهن ما را برای تدوین قانون کار منعکس میکند . از میان بحث‌های کارگران بخوبی پیداست که کارگران عمیقاً خواهان تأمین حقوق حقه خود در قانون کار هستند و راه و روش معینی را هم برای این کار پیشنهاد می‌کنند . این روزها در هر کجا کارگران به بحث درباره قانون کار می‌نشینند حاصل بحث و نشست آنان تکیه بر سه اصل اساسی است . توده کارگران در نشست‌های وسیع و محدود خود ، در سراسر ایران در ماههای اخیر مکرراً از مسئولان جمهوری اسلامی ایران خواسته‌اند در تدوین قانون کار سه اصل اساسی زیرمراعات شود :

۱ - قانون کار باید براساس روح انقلابی و مردمی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوشته شود . کارگران بحق انتظار دارند در تدوین قانون کار هیچیک از اصول قانون اساسی که بر حقوق کارگران و زحمتکشان و همه مردم تکیه می‌کند ، نقض ، لوث و یا نادیده گرفته نشود .

۲ - کارگران می‌گویند قانون کار باید با استفاده از نظریات پیروان صدیق و شناخته‌شده خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی از جمله بر پایه نظریات آیت‌الله منتظری ، آیات شهید مطهری و بهشتی نوشته شود . کارگران مخالف آنند که نظریات روحانیون مدافعان سرمایه‌داری مبنای تنظیم قانون کار قرار گیرد .

۳ - کارگران یکصدا می‌گویند قانون کار نباید بنه‌ان از کارگران و در کمیسیون‌های درسته تدوین شود . تدوین قانون کار باید با مشورت کارگران باشد . آنها می‌خواهند قانون کار قبل از تصویب در

بتدریج با سخنگویان هر دو جناح و با مواضع متفاوت آنها آشکار می‌شوند. قانون کار یکی از مهمترین عرصه‌هایی است که به توده وسیع طبقه کارگر کمک‌کرد جریان راستگرای مخالف که در مقابل قانون اساسی و خط امام ایستاده است را بشناسد. امروز پس از انتشار پیش‌نویس آقای توکلی توده طبقه کارگر بیش از پیش ضرورت پشتیبانی از خط امام در برابر خط راستگرایان را حس می‌کند. کارگران هر روز بیشتر حس می‌کنند که تلفند با حمایت فعال از خط امام راه یکه‌تازی و غلبه خط راست را سد کنند و راه پیشرفت انقلاب را بگشایند.

در یکی دو ماه اخیر هزاران هزار کارگر از طریق مجامع و جلسات کارگری، از طریق شوراهای و سندیکاها و کارگری مکرراً خواسته‌اند که قانون کار حتماً با مشورت و مشارکت توده کارگران تنظیم شود. طی این مدت صدها ظومار یا دهها هزار نامه در حمایت از این خواسته بحق برای مقامات مسئول ارسال شده است. برخی مطبوعات البته قسمتی از این موج عظیم درخواست‌های کارگران را منعکس کرده‌اند لکن ابعاد ساله بسیار بزرگتر از آن چیزی است که منعکس شده است. مبارزه کارگران برای سرور کشیدن بحث درباره قانون کار از کمیسیون‌های در بسته همچنان ادامه دارد. این مبارزه با انتشار پیش‌نویس قانون کار آقای توکلی به پیروزی بسیار بزرگی دست یافته است. پس از انتشار پیش‌نویس و مشاهده نقشه‌هایی که آقای توکلی و حامیانش برای توده مردم رحمنکش کشیده‌اند تلاش کارگران برای سرک منظم در تدوین قانون کار تحت فوق‌العاده‌ای یافته است. کارگران پس از انتشار پیش‌نویس در اجتماعات خود در کانون‌های کارگری و در محیط‌های کار با انتخاب نمایندگان و تشکیل کمیسیون‌های ویژه آمادگی و حواس خود را مبنی بر شرکت در جریان تدوین قانون کار ابرار دانسته‌اند.

راستی چرا طبقه کارگر این چنین مصممانه تقاضا دارد در جریان تدوین قانون کار مستقیماً شرکت جوید؟ آیا بدون مشارکت کارگران نمی‌توان قانون کار را بحوی که پاسخگوی نیازهای عاجل طبقه کارگر باشد تدوین کرد؟ آیا نکیه کارگران بر اینکه قانون کار باید بر اساس قانون اساسی و با استفاده از نظرات نمایندگان شناخته‌شده خط امام (شهید بهشتی و ...) تدوین شود کافی نیست؟

سارمان مدانیان خلق ایران (اکثریت) معتقد است که این خواسته توده کارگران هم حق است و هم به سود انقلاب است و اگر نامین نشود زیان‌های سنگینی را دربر خواهد داشت زیرا :

اولاً - هرگاه بپذیریم که کارگران ستون انقلابند و بر دوش و دستهای آنان است که این انقلاب پایرجا می‌ماند تلاش برای کنار دادن این ستون در ساله‌ای که مستقیماً به زندگی و حیات مسات آن بستگی دارد تأثیری جز سست کردن پایه‌های انقلاب و دل‌سرد کردن نگهبانان اصلی آن نخواهد داشت. شرکت کارگران در تدوین قانون کار به شرکت پرشورتر و فعال‌تر کارگران در انقلاب و در اداره کشور کمک می‌کند.

ثانیاً - اگر قرار است در تدوین قوانین جمهوری اسلامی ایران از متخصصین و خیرگان مومن و متعهد به انقلاب در هر زمینه خاص بهره گرفته شود، صالح‌ترین و خیرترین نیروهای متعهد و مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در زمینه تدوین قانون کار همان کارگرانی هستند که سالها در راه رسیدن به یک قانون کاری که منافع توده‌چند میلیونی طبقه کارگر را تامین کند و پاسخگوی نیازهای واقعی کشور باشد مبارزه کرده‌اند. اگر قرار است قانون کار برای درمان زردها و داغ زخم‌های بیشماری که بر دل و جان و تن طبقه کارگر در نیم قرن اخیر برجای مانده است تدوین شود چه کسی بهتر از خود کارگران این زردها و زخم‌ها را راه‌چاره عاجل آنها را می‌شناسند؟

ثالثاً - در شرایطی که می‌بینیم در عالیترین سطوح مسئولان جمهوری اسلامی ایران درباره کلیات قانون کار توافق نظر نیست و دو خط با دو طرز فکر درباره مسائل اجتماعی اقتصادی رو در روی هم قرار گرفته‌اند، در شرایطی که می‌بینیم چهار وزارت کار که یکی از مهمترین وزارت‌خانه‌های دولت جمهوری اسلامی است بطور در بسته در دست خط‌راستگرای کارگرسیز قرار گرفته‌است، آنها عدم مشارکت کارگران در جریان تدوین قانون کار تن دادن به خواست و تمایل این جریان راستگرای کارگرسیز نیست؟ هر فرد صادقی که اندک آشنایی یا مسائل سیاسی داشته باشد این ساله ساده را می‌فهمد که به سود جناح توکلی و شرکا، نیست که پای کارگران در تدوین قانون به میان کشیده شود. آقای توکلی خوب می‌فهمد که اگر به اراده طبقه کارگر باشد یک سرسوزن هم از مقرراتی که آقای توکلی پیشنهاد کرده است از نصوب نخواهد گذشت.

بدین ترتیب دیده می‌شود که هر سه خواست توده طبقه کارگر در تدوین قانون کار سنی بر :

- ۱- رعایت کامل قانون اساسی
- ۲- استفاده از نظرات نمایندگان اصیل خط امام از جمله شهید بهشتی

۳ - مشارکت مستقیم نمایندگان منتخب کارگران در تدوین قانون کار حواس‌هایی کاملاً اصولی و واقع‌بینانه است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن تأیید کامل این خواسته‌ها همه نیروهای مدافع انقلاب را از مسلمان پیرو خط امام خمینی گرفتند تا پیروان سوسیالیسم علمی به مبارزه‌ای هماهنگ و بهیچ‌در راه تحقق این خواسته‌ها دعوت کرده از هم‌اکنون اعلام می‌کند که هرگاه قانون کار این خواسته‌های سه‌گانه را مراعات نکند، «بفنا حقوق کارگران را صاع می‌کند و به همین دلیل چنین قانونی نه پاسخگوی نیازهای انقلاب است، نه با استقبال و تأیید و شادمانی کارگران روبرو می‌شود».

رئوس احم حقوقی که باید در قانون کار برای کارگران در نظر گرفته شود کدامند؟

کارگران مسن ما در حریان زندگی و مبارزه خود به چنان سطحی از بیداری و آگاهی رسیده‌اند که امروز بیش از هر زمان دیگر حق را از ناحق تشخیص می‌دهند و خواهان آن هستند که حقوق مسلمی که نمره پیروزی انقلاب است در قانون کارکنان نبوده شود. نوده کارگران با قانون کار بسپادی آقای سوکلی محال‌مد ریرا در این پیش‌سویس نه تنها روح انقلاب و پیروزی‌های بزرگ مردم در مبارزه علیه ستمگران و جباران معکس نیست، بلکه به بیرحمانه‌ترین شکل ممکن تمام دستاوردهای مبارزه ۶۰ ساله کارگران علیه ستم پهلوی و حیاول سرمایه‌داری هم لگدمال شده است. کارگران نه تنها با پیش‌سویس قانون کار آقای سوکلی محال‌مد، بلکه با هر قانون کار دیگری هم که روح و آرمان انقلاب را نادیده بگیرد و حقوق مسلم کارگران را یابمال کند هم مخالف خواهند کرد.

کارگران، توده مردم و همه مدافعان انقلاب، قانونی می‌خواهند که در مقدمه آن رضار رژیم سابق با کارگران صریحاً محکوم شود و بر بی‌نای آن به صراحت نوشته شود هدف از این قانون حمایت از کارگران و حراست از نیروی کار و مقام والای آن است. علاوه بر این در قانون کار لزوماً باید حقوق زیر برای کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته شود:

۱ - قانون کار باید حق کارگران را برای تشکیل آزادانه انجمن‌های صنفی خود اعم از شوراهای، سندیکاها، اتحادیه‌ها، تشکل‌های تعاونی و از این قبیل، را به رسمیت بشناسد کلیات این حق در اصل ۲۶ قانون اساسی انعکاس یافته است. متجاوزین به این حق باید تحت پیگرد قرار گیرند کارگران باید طبق قانون کار حق داشته باشند از طریق این تشکل‌ها با سایر تشکل‌هایی مشابه در

سایر کشورهای سازمان‌های کارگری بین‌المللی ارتباط داشته باشند .

۲ - در قانون کار باید حق داشتن کار مناسب برای همه رحمتکشان تأیید شود و دولت (طبق اصل ۲۸ قانون اساسی) موظف گردد شرایط تأمین این حق را فراهم سازد .

۳ - در قانون کار باید بر پایه محاسبه دقیق حداقل معیشت و نحوه ترسیم سالانه آن تعیین شود و مزد مساوی برای کار مساوی تعیین شود . پرداخت دستمزد الزاما بر اساس ارزشهایی مشاغل صورت گیرد .

۴ - در قانون کار باید ساعات کار در هفته برای همه مزد و - حقوق‌بگیران معین و محدود شود . کاهش ساعات کار در محیط‌های آلوده و برای مشاغل دشوار و سنگین متناسب با سختی کار طبق آخرین نامه جداگانه تضمین شود . مرخصی‌ها و تعطیلات باید برای همه مزد و حقوق‌بگیران یکسان باشد و کارفرما ملزم به پرداخت تمام حقوق مرخصی‌ها و تعطیلات گردد . قانون کار باید مقررات اضافه‌کاری را معین و محدود کند . قانون باید پرداخت اضافه دستمزد برای اضافه‌کاری را مشخص کند .

۵ - قانون کار باید حداقل سن کار را دقیقاً معین کند و کار کشیدن از کودکان و استخدام آنها را صریحاً ممنوع و مجازات خاطیان از آن را معین کند . قانون کار باید برای استخدام کارگران جوان مقرراتی در نظر بگیرد که مانع آموزش و تحصیل آنان نشود . در قانون کار باید شرایط کار زنان معین شود . مدت مرخصی با حقوق ایام بارداری و زایمان معین شود و حق مادران برای شیردهی و تأمین شرایط نگهداری اطفال شیرخوار مادران کارگر بر عهده کارفرما قرار گیرد و زنان از کارهای سنگین و شبانه معاف شوند .

۶ - قانون کار باید اخراج خودسرانه توسط کارفرما را بکلی ممنوع کند و تشخیص صحت و قانونیت کاهش پرسنل واحدهای تولیدی و دلائل اخراج را بر عهده نمایندگان کارگران و خسارات ناشی از اخراج به کارگران را بر عهده کارفرما بشناسد . حل اختلاف میان کارگران و کارفرمایان باید به هیات‌های حل اختلاف که از نمایندگان تشکلهای صنفی کارگران ، نماینده کارفرما و نماینده وزارت کار تشکیل می‌شود واگذار گردد و در هر حال در قانون کار حق انتصاب برای کارگران برسمیت شناخته شود .

۷ - قانون کار باید کارفرمایان را به تأمین شرایط ایمنی و بهداشتی کار و کارگاه موظف سازد و سیستم بازرسی کار را در تمام واحدهای تولیدی و خدماتی برقرار سازد . قانون کار باید تصریح

کند که بازرسان کار باید از میان کارگران و توسط اتحادیه‌های صنفی آنان به وزارت کار معرفی شوند .

۸ - قانون کار باید حق مشارکت کارگران را در برنامه‌ریزی تولید و مدیریت برسمیت بشناسد (اصل ۱۵۲ قانون اساسی) قانون کار باید کارفرمایان و مدیران را موظف به انعقاد قرارداد دسته‌جمعی کار با کارگران سازد .

۹ - قانون کار باید حق کارگران و افراد تحت تکفل آنان را برای برخورداری از بیمه و تأمین اجتماعی برسمیت بشناسد و کارفرمایان را ملزم به رعایت و تأمین این حق کند (اصل ۲۹ قانون اساسی) قانون کار باید تصریح کند هرکس کار می‌کند باید بیمه شود و از مزایای قانونی تأمین اجتماعی برخوردار گردد و دولت مکلف است شرایط تحقق این حق را فراهم سازد .

۱۰ - در قانون کار باید حق کارگران برای افزایش سطح مهارت ، اطلاعات و دانش خود تضمین شود و وزارت کار و سایر ارگانهای ذیربط ، با همکاری مدیریت و نمایندگان کارگران شرایط بهبود بهروری و بازده کار کارگران را فراهم سازد .

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) معتقد است که مصالح انقلاب و منافع توده مردم زحمتکش ، به ویژه طبقه شریف کارگر ایجاب می‌کند که هر قانونی که درباره مناسبات کار و مسائل کارگری نوشته می‌شود حداقل تمام موارد دهگانه فوق را دربر گیرد . سازمان ما به صراحت هشدار می‌دهد که هر قانون کار که تمام یا حتی بخشی از حقوق دهگانه فوق را نادیده بگیرد قانونی است که مصالح انقلاب و خواست اکثریت جامعه را نادیده می‌گیرد . جمهوری اسلامی ایران را تضعیف می‌کند و موربانه‌وار می‌کوشد ستون‌هایی که انقلاب را برپا می‌کنند درهم بشکند . هم از این روست که پیش‌نویسی که برای قانون کار توسط آقای توکلی و همفکرانش نوشته شده است نه تنها مورد تأیید و با استقبال کارگران مواجه نشده است ، بلکه خشم و اعتراض بحق طبقه کارگر را برانگیخته است . آری ، رشد و آگاهی طبقه کارگر مبین ما به حدی رسیده است که حق را از ناحق تمیز می‌دهد و هرگز مهر تأیید پای قانونی نمی‌نهد که قصد آن زلزله‌انداختن به جان ستون‌های انقلاب است .

بخش دوم : موارد نقض حقوق حقه کارگران در پیش نویس قانون کار

پیشگفتار

اکنون حدود یکماه از انتشار پیش نویس آفای توکلی می گذرد. بیش از یکماه است که تشکیل کمیسیون ویژه هیات دولت برای "رفع نواقص" پیش نویس اعلام شده اما هنوز مشخص نیست که این کمیسیون چه کرده و چه خواهد کرد. واکنش وسیع و سراسری کارگران در اعتراض به پیش نویس و نقش فعال و کارساز جلسات، کنفرانس ها و سمینارهای بررسی پیش نویس عملاً اثبات کرده است که این پیش نویس به مورد تأیید بوده کارگران است و نه از جانب مدافعان صدیق انقلاب حمایت می نمود. برجسته ترین شخصیت های شاخه شده خط امام روح حاکم بر پیش نویس را مورد تأیید قرار نداده اند. آنها در این مذاکراتها گفته اند حقوق کارگر در قانون کار باید نامشروع بود. این وضعیت امید ریادی ایجاد کرده است که اعتراضات توده ای وسیعی که احاطه گرفته و استعدادات همه جانبه ای که به این پیش نویس وارد شده است لافل در این دوره تلاش مدافعان سرمایه داران را برای حمل قانون کاری از فضا پیش نویس آفای توکلی، با سنگ مواجه سازد. اما آفای توکلی در برابر این نیروی توده ای عظیم ظاهراً نه تنها قصد ندارد از مقاومت دست بردارد، بلکه ضرور که می گذرد روش سارهای را در دفاع از پیش نویس خود بکار می بندد و راهبانی تازه تر تحصیل آن را جستجو می کند.

چندی پیش در محافل کارگری این بحث وسعاً مطرح بود که آیا پیش نویس "اصلاح پذیر" است یا باید کار از نو شروع شود. یکی از کارگران در یکی از جلسات عمومی کارگری درباره همین مسأله می گفت: "این پیش نویس حکم آبکش را ندارد. حق کارگر از هزار سوراخش در می رود. آبکش با لحیم کاری آب بندی می شود."

البتد برخی از مسئولان مهم جمهوری اسلامی ایران همسور نظر دیگری دارند. آفای رئیس جمهور در عین حال که "مقابلی"

پیشنویس را پذیرفته‌اند هنوز امده‌وارند که در کمیون ۸ نفره هیات دولت این مقایص رفع شود.

سر رویدادهای یک ماهه اخیر و تجارب بدست آمده اثبات می‌کند که پیشنهاد توده وسیع کارگران مبنی بر لزوم مشارکت مستقیم کارگران در تدوین قانون کار و تدوین این قانون بر اساس روح و نفس قانون اساسی، با استفاده از نظریات پروان اصل حفظ امام نظیر شهید بهشتی یگانه راه منطقی و انقلابی و مردمی در کار تدوین پیشنهاد قانون کار است.

۱) بحث‌های وسیع یکماهه اخیر تماماً متوجه کلیات پیشنهاد پیشنهاد بود. روح هاکم بر پیشنهاد پیشنهاد مورد اعتراض و سوال مخالفان پیشنهاد پیشنهاد قرار داشت. حتی یک صوت دیده نشد که کارگران کلیات قانون را ناپسند کنند و فقط از این با آن مورد آن انتقاد کنند.

۲) با این به سود انقلاب است که امر تدوین قانون کار را با روحیه‌ای دیگر، و با هدف جلب رضایت توده مردم زحمتکش و سوبزه طبقه شریف کارگر و با مشارکت خود کارگران آغاز کنیم. هر راه‌حلی جز این نه تنها هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. بلکه بیگمان زمانهای جدی به انقلاب وارد می‌آورد. نظر ما اینست که سهل‌ترین راه حل ممکن برای حل مسأله موجود در زمینه چگونگی برخورد با قانون کار آنست که دولت جمهوری اصلاحی ایران پیشنهاد اصولی توده کارگران را که این همه حق بگرن این انقلاب داشته و دارند مورد توجه قرار دهد. و پیشنهاد پیشنهاد را بر اساس همین پیشنهاد تهیه کند.

اما اعتراضات گسترده یک ماهه اخیر به پیشنهاد پیشنهاد به هیچوجه از اهمیت برخوردار جز به جزء با مفاد پیشنهاد پیشنهاد کم نمی‌کند. زیرا اولاً "کوچکترین نشانه‌ای در دست نیست که آقای توکلی و همفکران حاضر شده باشند از مقاومت دست بردارند. ثانیاً اجزا این پیشنهاد پیشنهاد هر چه بیشتر شکافته شود و موارد نقض حقوق کارگر در آن تشریح گردد، هر چه بیشتر روی جزئیات حقوقی که قانون کار باید برای کارگران در نظر گیرد بحث شود زمینه و امکان نقض این حقوق محدودتر می‌گردد. هم از این روست که در این روزها کارگران در هر جمع و محفلی موشکافانه روی موارد نقض حقوق خود در پیشنهاد پیشنهاد می‌گذارند و روی چگونگی تأسیس هر یک از آنها در یک قانون کار شایسته انقلاب به بحث و گفتگو می‌نشینند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با بهره‌گیری از این بحث‌ها و با استفاده از تجارب جنبش کارگری جهان و مفاد اعلامیه جهانی حقوق سندیکیایی، که حقوق غیر قابل نقض طبقه کارگر را معین می‌کند، بر پایه طرح برنامه خود فصل‌های مختلف پیشنهاد پیشنهاد آقای توکلی را نقد کرده و نظر خود را شرح زیر در هر مورد مشخص ساخته است:

انزوای وسیع آقای توکلی در میان کارگران نشانه بزرگ همین موضوع است.

در قانون کار جمهوری اسلامی ایران باید این حقوق صریحا" برای کارگران در نظر گرفته شود. هیچ شرطی نباید کارگران را در انتخاب نمایندگان خود محدود کند. قانون کار باید تصریح کند که نه وزارت کار و نه هیچ ارکان دیگری حق ندارند در انتخابات کارگری دخالت کنند، از انجام آن جلوگیری کنند. آزادی کارگران را در انتخاب نماینده محدود سازند و یا در کار سندیکا و شورا مداخله کنند و یا نمایندگان را تحت فشار قرار دهند. باید تمام راهبای تبدیل تشکل کارگری به یک تشکل فرمایشی مسدود شود. نباید اجازه داد اوضاع رژیم منحوس پهلوی تکرار شود.

اگر قانون کار درباره "حق تشکل" سکوت کند یا آن را غیر قانونی اعلام کند، آن قانون به اهداف انقلاب (حمایت از کوچ نشینان در برابر کاخ نشینان) و روح و نص قانون اساسی (از جمله اصل ۲۶) وفادار نبوده و به همین دلیل تاریخ آن را به مثابه یک قانون سیاه خواهد شناخت. علاوه بر این چنین قانونی به هیچ وجه نخواهد توانست هیچ یک از مشکلات روزمره محیط های کار را حل کند. قانونی که حق تشکل صنفی، مستقل و آزادانه کارگران را به رسمیت نشناسد قانونی است که می خواهد این جمهوری را از حمایت طبقه کارگر که ستون انقلاب است محروم سازد. کارگران می پرسند آنچه که در قانون کار توکلی آمده است چه تفاوتی با حرفهای سرمایه دارهای ضد کارگر دارد؟ کارگران مدافع انقلاب و انقلاب از آنان می طلبد که مشکل باشند. شوراهای کارگری، سندیکاهای کارگری، اتحادیه های شورایی و سندیکائی و سایر تشکل های صنفی - انقلابی طبقه کارگر باید حق داشته باشند در تعیین نظام و میزان دستمزدها، در اجرای مفاد قانون تامین اجتماعی - در بازرسی کار، در تعیین مقررات مرخصی ها، تعطیلات، اضافه کاری، در تامین رفاه کارگران در محیط کار، در تشکیل تعاونی مسکن، در ایجاد تعاونی های مصرف کارگری، در آموزش فنی و حرفه ای در نظارت بر تولید و مشارکت در برنامه ریزی آن، در زمینه حل اختلاف میان کارگزاران و کارفرمایان و در سایر اموری که به هرنحوی از آنها به زندگی و کار کارگران مربوط می شود منافع و خواست کارگران را نمایندگی کنند.

دز زسینه حق تشکل

مهم ترین خداست طبقه کارگر مبین ما آنست که دولت جمهوری اسلامی ایران رسما" در قانون کار حق تشکل کارگران را تصویب کند و متخلفین از آن را تحت پیگرد قرار دهد. کارگران در طول تاریخ به تجربه دریافته اند که تشکل های ایشان سلاح آنان برای مقابله با زورگوشی سرمایه دار است. پس از انقلاب کارگران در اکثر واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی اقدام به تشکیل شوراهای کارگری کردند. این شوراهای طبقه دفاع از کارگران، این صاحبان اصلی انقلاب، در برابر کاخ نشینان و سرمایه داران را برعهده داشتند. شوراهای کارگری به سنگرهای بسیار موثری برای مبارزه با ضد انقلاب و افزایش تولید تبدیل شدند.

در یک ساله اخیر از یک طرف آقای توکلی شدیدترین حملات خود را برای از بین بردن شوراهای و سندیکاهای کارگری ادامه داده و از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نکرده و ضربات مہمی هم به تشکل های کارگری وارد آورده است، از سوی دیگر توده وسیع کارگران در اکثر واحدهای تولیدی کوشش های پیروز سدی را در جهت تشکیل شورا و سندیکا آغاز کرده و ادامه داده اند. در مجموع آنگاه توکلی طی یک ساله گذشته نه تنها موفق نشده است تشکل های کارگری را از بین ببرد، بلکه در مقایسه با یکسال پیش علیرغم تمام کارشکنی های محافل کارگر ستیز وزارت کار و سرمایه داران حامی ایشان کارگران مبین ما بطور کاملا محسوس موفق شده اند تشکل های صنفی خود را حفظ کنند و گسترش دهند. پیشرفت بار هم بیشتر انقلاب یقینا" ضربات باز هم حدی تر به مخالفان تشکل صنفی، آزادانه و مستقل طبقه کارگر وارد خواهد آورد.

نماید شرکت تشکلهای کارگری در هیات سیاسی کشور در قانون کار منع شود. قانون کار باید تصریح کند که انحلال تشکل کارگری فقط از طریق رای آزادانه اعضای همان تشکل امکان پذیر است و احدی حق ندارد بی دلیل (از جمله بدلیل افکار و عقاید اعضای شورا یا هیات مدیره سندیکا) این یا آن تشکل کارگری را منحل اعلام کند.

در زمینه حق مسکن

در زمینه برخورداری از مسکن مناسب و با اقلا کمک هر یک مسکن نیز مسئولین وزارت کار و طراحان پیش نویس، کمترین احساس مسئولیتی نکرده اند. آنها خود را نسبت به این مشکل عمومی و اولیه میلیونها کارگر و زحمتکش آنچنان بیگانه نشان می دهند که کوئی اساساً این یک مشکل اجتماعی و در وهله اول مشکل کارگران نیست و موضوع قانون کار ربطی به این گونه مشکلات ندارد. به این گت معتمد رضایی دقت کنید تا عمق بیگانگی مسئولین وزارت کار نسبت به روح قانون اساسی و قانون کار مشخص تر شود. او می گوید:

مسئله مسکن در طرح یک قانون کار عملاً "جائی پیدا نمی کند. این قسمت (حق مسکن) در قانون کار تعطیل است، ما (بعنوان مسئولین ادارات کار) در گذشته می رفتیم می دیدیم کارفرماها حق مسکن نمی دهند، دیگر نمی توانیم بگوئیم حق مسکن بدهید. به این ترتیب حق مسکن از مقولات قانون کار رخت می بندد وقتی که مشکل برطرف شد دیگر لوازم و تمهیدات مبارزه با مشکل مثل تعاونیهای مسکن کارگری و غیره هم بخودی خود منتفی می شود و برای رفع کامل مشکل می توان یک بخشنامه فرستاد و تعاونیهای مسکن کارگری را منحل کرد.

آقای نوکلی در پیش نویس خود با پشت کردن به قانون اساسی همه مشکلات را اینچنین "حل" کرده است.

در مورد همین مشکل مسکن و حق مسکن اصل ۳۱ قانون اساسی، دولت را موظف می کند به اینکه با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوصی روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

و این، به اعتقاد ما مستلزم آنست که سیاست خانه‌سازی معطوف به ایجاد خانه با استانداردهای حداقل و با کمترین هزینه برای ملبوسها مردمی گردد که عملاً فاقد مکن هستند...
ار راه اختصاص زمین رایگان، وام، مصالح ارزان، خدمات مهندسی نامین خدمات شهری و سایر تسهیلات به تشکیل تعاونیهای مکن سویزه تعاونیهای مکن کارگری و دهقانی وسیعاً کمک شود.

در زمیند حق داشتن کار

بیکاری یکی از دردناکترین پدیده‌های رایج همه جوامعی است که نظامات سرمایه‌داری در آنها برقرار است و بخش خصوصی فعال مایشاء است. هیچ یک از جوامع سرمایه‌داری نه تنها قادر نبوده‌اند و نیستند که مساله بیکاری را حل کنند. بلکه هم‌اکنون به نحو فزاینده‌ای بر خیل بیکاران خود می‌افزایند. بیکاری بررگترین مصیبت طبقه کارگر در نظام سرمایه‌داری است خطر اخراج خطریت که همواره دور سر کارگران در جوامع سرمایه‌داری می‌پرخد. منشاء اصلی این مصیبت سودجویی سرمایه‌دار است. سرمایه‌دار که برای سود بردن، کارگر را استخدام می‌کند هر وقت دید دیگر برایش صرف نمی‌کند کارگر را از ~~ص~~ کار بیرون می‌اندازد. برای او اصلاً "مطرح است که حالا این کارگری که سکار نده ز و چه او از کجا می‌آورد و از کجا می‌خورند؟ سرمایه‌داران همیشه از حربه اخراج و از درد بکاری که به جان کارگر می‌اندازند استفاده می‌کنند تا از حقوق کارگر را بزنند و یا با تهدید به اخراج، جلوی حق‌طلبی کارگران را بگیرند.
یکی از مهمترین مسایل کارگران در تمام کشورها مقاله ما این سودجویی و تکانه‌طلبی سرمایه‌دار بوده است.
کارگران ما گردآمدن در انجمن‌های صنفی خود در اتحادیه، در سدیگا، در شوراهای کارگری، کوشش می‌کنند به حسن سودجویی و طمعکاری سرمایه‌داران لحام بزنند و از طریق قوانین کار به سرمایه‌دار اجازه ندهند برای بردن سود بیشتر زندگی کارگر را به بازی بگیرد. مبارزه بگیر و حستگی‌ناپذیر طبقه کارگر ایران برای لغو ماده ۳۳ و ماده ۳۴ قانون کار طاغوتی در ۲۵ سال اخیر لحظه‌ای قطع نشده است لغو این مواد طاغوتی اولین، صرم‌ترین و مهمترین خواست طبقه‌کارگر ایران بعد از پیروزی

انقلاب بوده است. سدادگری ماده ۳۳ که تاکنون زندگی و خانمان هزاران هزار کارگر و زحمتکش مسن ما را بر باد داده و بیای سودجویی سرمایه‌داران ریخته است تا آنجاست که لغو فوری این ماده، به اولین خواست کارگر ایرانی تبدیل شده است. واقعا" ناثر انگیز است. آقای توکلی خلی راحت و در کمال خونسردی درباره ماده ۳۳ و ۳۴ می‌گوید:

"در مورد ماده ۳۳ یا ماده ۳۴ اینها اعتراض دارند که چرا کارفرما باید کارگر را اخراج کند؟ طبیعی است که اگر از جنبه اسلامیته به ساله نگاه کنیم قرارداد کار هم مثل هر قرارداد دیگر در اسلام به یک طریقی بسته می‌شود و به یک طریقی گسسته می‌شود." (ماهنامه اعتصام آبان ۶۱)

آقای توکلی با همین روحه و با همین حد از بی‌اعتنائی به مصالح و زندگی کارگر، طرح پیش‌نویس را نوشته است. در هیچ کجای پیش‌نویس قید نشده است که کارفرما بطور یک حاسه حق ندارد کارگر را اخراج کند. پیش‌نویس اساسا" نه چیزی را تحت عنوان "استخدام دائم" پیش‌بینی می‌کند، نه رای و نظر کارگران را در "اخراج" به حساب می‌آورد. نه هیچ گونه قید و بندی برای کارفرمایانی که همیشه هوس عوض کردن کارگران برای سودجویی بیشتر به سرشان می‌زند ایجاد می‌کند و نه حتی مثل ذیل ماده ۳۳ کارفرما را ملزم می‌کند که به کارگری که با چند سال سابقه کار اخراج می‌شود چیزی بپردازد. آقای توکلی در پیش‌نویس می‌نویسد:

"ماده ۹- استخدام عبارت است از تعهد کارپذیر بر انجام کار در مقابل دریافت اجرت و پذیرش صاحب کار به پرداخت اجرت در مقابل تمکک عمل"

این تعریف از استخدام، یکی جعلی و ساختگی است و جای هر نوع سوءاستفاده را برای کارفرمایان باز می‌گذارد. مطابق این تعریف مسافری هم که به راننده پول می‌دهد که او را از این چهارراه به آن چهارراه برساند راننده را استخدام کرده است و همانقدر در برابر راننده تعهد دارد که کارفرمایی چند صد یا چندین هزار کارگر را در استخدام خود دارد و این کارگران سالهاست که در همان موسسات کار می‌کنند. در پیش‌نویس آقای توکلی اخراج کارگران کارخانها و موسسات نولهدی که سالهاست در آن موسسات کار می‌کنند می‌تواند به همان سادگی که مسافر از تاکسی پیاده می‌شود انجام گیرد و این کار از نظر شرعی

که آقای توکلی بیرو است هیچ اشکالی ندارد. می‌دانیم که احکام اجاره مبنای پیش‌نویس است. این احکام برای بستن قرارداد اجاره قید "مدت" را ضروری اعلام می‌کند. عقد اجاره، مطابق فقه شیعه اساسا" عقدی است "موقت". پیش‌نویس آقای توکلی دست کارفرما را باز می‌گذارد که کارگر را روزمزد کند و هر روز غروب او را بیرون کند و فردا صبح از نو کارگر را اجاره کند.

کارگران فصلی ساختمانی که عمدتا" بطور روزمزد کار می‌کنند سالهاست که برای برخورداری از حقوق خود و رهایی از این وضعیت نابسامان و بدست آوردن امنیت شغلی و بستن قراردادهای دائمی و مجبور کردن کارفرما به پرداخت حق بیمه و بازنشستگی و سایر مزایا مبارزه می‌کنند. حالا آقای توکلی می‌خواهد با سه کارگران، حتی کارگرانی که استخدام رسمی هستند، همانطور رفتار شود که با کارگران فصلی روزمزد رفتار می‌شود.

عقد آقای توکلی برای اجباری کردن در نظر گرفتن "مدت" در قرارداد کار، نقطه‌ایست برای از بین بردن امنیت شغلی کارگران و دادن اختیار کامل به کارفرما که کارگران را بلااستثناء بطور موقت استخدام کند و دستش باز باشد که هر موقع خواست بدون معطلی آنها را بیرون بریزد.

بیار انقلاب و تفکر انقلابی ایجاد می‌کند که به این خودکامگی‌ها فوراً "کدام زنده شود. قانون کار باید جلوی سودجویی کارفرمایان را بگیرد و دست آنان را در اخراج بی‌حساب و کتاب کارگران سدد. در این رابطه، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در طرح برنامه خود پیشنهاد کرده است:

"هیچکس را نباید بدون دلیل موجه قانونی از کار برکنار کرد. صحت و قانونیت دلایل اخراج بر باید نمایندگان کارگران تأیید کنند"

به نظر ما بگانه راه جلوگیری از سودجویی لحام گسیخته سرمایه‌داران که هر روز هوس اخراج کارگران و "تجدید استخدام" به سرشان می‌رند است که کارفرما مکلف شود حکم اخراج را به تأیید شورای کارگری و با سندیکائی که کارگران آن واحد را متشکل می‌کند برساند. گنجاندن این صایطه در قانون کار خواست همه کارگران است. انقلاب اگر بخواهد پایه ستونهای خود استوار بماند باید پای این خواسته حق کارگران را مهر تأیید بکشد. علاوه بر این، قانون کار باید معین کند تعهدات کارفرما و

دولت در مقابل کارگرانی که به دلایل مختلف کار خود را از دست می‌دهند چیست؟ طبق قانون باید از محل صندوق بیمه سیکاری بر اساس سابقه کار خسارات کارگری بنگه کار خود را از دست می‌دهد پرداخت گردد و زندگی او تا به دست آوردن کار جدید نامی شود. مصونیت شغلی نمایندگان کارگران در تمام دوره نمایندگی و مصونیت شغلی کارگرانی که خود را نامرد نمایندگی می‌کنند تا پایان دوره استخانات نباید رسماً در قانون کار تضمین شود. قانون کار باید امنیت شغلی کارگران را تضمین کند.

در زمینه حق برخورداری از دستمزد

تعیین یک حداقل و پایه مناسب برای دستمزد و حقوق مکفی همواره یکی از بهترین خواست‌های کارگران بوده است. پیش‌نویس آقای توکلی نفریاً تمام حقوق و امتیازاتی را که کارگران طی سال‌ها مبارزه موفق شده‌اند از حلقوم سرمایه‌داران بیرون بکشند. باطل اعلام کرده و چیزی بنام "اجرت" را که به توافق تعیین می‌شود جایگزین آن حقوق و مزایا ساخته است. حقوقی که آقای توکلی از طبقه کارگر در زمینه دستمزد و درآمد تضمین شده سلب کرده است عبارتند از:

- لغو قانون تعیین حداقل دستمزد توسط دولت و آزاد گذاشتن کارفرما که اگر میلش کشید حتی از حداقل کنونی هم به کارگر کمتر مزد بدهد و عدم التزام دولت به ترمیم حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم و افزایش درآمد ملی.

پیش‌نویس تعیین حداقل دستمزد را فقط پناه ضرورت و برای مدت محدود "جایز می‌شمارد. (در پیش‌نویس توکلی در این مورد "تشخیص ضرورت" هم بر عهده "وزارت کار" است).

- آزاد گذاشتن کارفرما در اینکه اگر دلش خواست مزد را نه به صورت پولی بلکه بصورت جسی به کارگر پرداخت کند (ماده ۳). معنای این کار، اگر عملی شود، اینست که عملاً کارگر از حق دریافت مزد تضمین شده محروم شود.

معاون آقای وزیر کار می‌گوید: "مزد هیچ دلیلی ندارد که به پول باشد. مثلاً" می‌توانند تعیین کنند که مزد اینقدر رُسن گوسفند با این مشخصات باشد."

- آزاد گذاشتن کارفرما که اگر دلش خواست کارگران خود را از نظر شغلی طبقه‌بندی کند و اگر نخواست نکند. بدین ترتیب پیش‌نویس عملاً به کارفرما اجازه داده است مزد کارگر پرسابقه

را تا حد کارگر کم سابقه و مرد کارگر ماهر را تا حد کارگر ساده تنزل دهد.

- پرداخت پاداش سالیانه (عیدی) و پرداخت حق بهرهوری، پرداخت مدد معاش اولاد بکلی به فراموشی سپرده شده و همه اینها بصورت "مرحمتی کارفرما" در نظر گرفته شده‌اند.

در قانون کار باید دولت موظف شود بر اساس یک محاسبه دقیق، هزینه حداقل معیشت یک خانوار را تعیین کند و کارفرمایان را ملزم کند که به کارگران کمتر از مبلغ فوق نپردازند. دولت باید همه ساله بر اساس نرخ تورم و محاسبه حد افزایش درآمد ملی، این حداقل را ترمیم کند. دولت باید با همکاری و مشارکت تشکلهای کارگری، آئیننامه‌هایی را برای طبقه‌بندی و ارزشیابی تمام مشاغل تدوین کند و تمام کارفرمایان را ملزم سازد که با رعایت مفاد این آئیننامه‌ها مشاغل کارگران خود را ارزشیابی و طبقه‌بندی کنند و حقوق آنان را بر پایه همین ارزشیابی‌ها محاسبه و پرداخت کنند. در قانون کار باید تصریح شود که تفاوت در جنسیت، نژاد، ملیت، قومیت، مذهب و عقاید سیاسی و اجتماعی هیچکدام باید تبعیض در مزدها نیست و در برابر کار مساوی باید مزد مساوی پرداخت شود.

در قانون کار باید تصریح شود که پرداخت دستمزد باید به پول رایج کشور باشد. حق بهرهوری، پاداش سالیانه و مدد معاش اولاد پرداخت شود.

در زمینه ساعات کار روزانه

یکی از اساسی‌ترین خواست‌های طبقه کارگر در سراسر جهان در طول ۲ قرن اخیر "تقلیل ساعات کار روزانه" بوده و هست. در مقابل این خواسته در تمام این مدت "افزایش ساعات کار روزانه" یکی از شکردهایی بوده است که سرمایه‌داران تلاش داشته‌اند علیه کارگران از آن استفاده کنند. زیرا یکی از طرق تشدید استثمار کارگران افزایش ساعات کار روزانه است. در قرن ۱۸ و ۱۹، در اروپا، زمانی که هنوز تشکلهای کارگری بوجود نیامده بود و سطح آگاهی طبقه کارگر پائین بود سرمایه‌داران گاه تا روزی ۱۵، ۱۶ ساعت از کارگران کار می‌کشیدند. در آن سالها اصلاً از تعطیلات و مرخصی‌ها خبری نبود. در معادن چنان شرایط کار سخت و چنان ساعات کار طولانی بود که کمتر کارگری از مرز ۴۰ سالگی می‌گذشت. در این سالها متوسط ساعات کار روزانه در کشورهای اروپایی در حدود ۱۲ ساعت بود.

در قرن گذشته، با تشکیل احزاب و سازمانهای کارگری مبارزه کارگران برای تقلیل ساعات کار روزانه حدت بیشتری یافت و پس از سالها مبارزه بالاخره طبقه کارگر موفق شد شمار ۸ ساعت کار روزانه با معادل ۴۸ ساعت کار در هفته را به کارفرمایان تحمیل کند. این مبارزه در قرن حاضر نیز ادامه یافت و اکنون در بسیاری از کشورها طبق قانون کار ساعات کار هفتگی به ۴۰ ساعت در هفته یا حتی کمتر از آن تقلیل یافته است.

در همین سالها نیز همین مبارزه با همین حدت دهها سال ادامه داشته است. پس از سالها مبارزه گرچه طبقه کارگر موفق شد اصل ۸ ساعت کار روزانه را در قانون کار بگنجاند اما عملاً کارفرمایان بسیار بیش از اینها از کارگران کار می‌کشیدند. بگونه‌ای که حتی در سالهای اخیر، هنوز هم متوسط ساعات کار روزانه در همین

ما بیش از ۸ ساعت در روز و ۴۸ ساعت در هفته بوده است. هم‌اکنون ساعات کار در معادن و ساختمان که هر دو از مشاغل سنگین محسوب می‌شوند به ترتیب بالاتر از ۵۱ ساعت و ۵۲ ساعت در هفت است.

پس از انقلاب، تقلیل رسمی این ساعات کار روزانه، یکی از مبرم‌ترین خواست‌های همه کارگران بوده است. طبقه کارگر امروز به چنان سطح آگاهی رسیده است که درک می‌کند شرایط انقلاب و توطئه‌های امپریالیسم، از جمله محاصره اقتصادی، تروریسم اقتصادی، جنگ و دهها مشکل دیگر از طبقه کارگر این باروی اصلی انقلاب فداکاری و گذشت می‌طلبد. تلاش جانانه طبقه کارگر در جهت افزایش تولید هم پاسخ به همین نیاز انقلاب است. اما انقلاب هرگز اجازه نخواهد داد که شر این فداکاری و گذشت کارگران به جیب سرمایه‌داران زالوصفت و تروریست‌های اقتصادی رود. این تروریست‌ها می‌خواهند چنان رمی کارگر را بکشند که دیگر جایی حتی برای نفس کشیدن کارگر هم باقی نماند. هم از این روست که قانون اساسی در یکی از درخشان‌ترین فرارهای خود، در بند ۳ ماده ۴۳ می‌گوید:

"مدت زمان کار باید چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد"

بدین ترتیب وفاداری به انقلاب و پایبندی به روح قانون اساسی ایجاب می‌کند که در قانون کار به صراحت ساعات کار روزانه و معادل هفتگی آن طوری معین شود که کارگران واقعا فرصت داشته باشند و بتوانند از آنچه که اصل ۴۳ قانون اساسی به آنان نوید داده است بدرستی بهره‌گیرند.

آقای توکلی نیز ظاهراً در پیش‌نویس خود این اصل قانون اساسی را تکرار کرده است. منتها ایشان در پاسخ به این سوال اساسی که به نظر شما "مدت زمان کار چقدر باشد تا ریه تحسین اصل ۴۳ فراهم شود؟" در ماده ۴۲ پیش‌نویس می‌گوید:

"ساعات کار باید با توافق طرفین به صورتی تعیین شود که کارپذیر علاوه بر تلاش شغلی فرصت و توان کافی برای ... داشته باشد"

عبارت "با توافق طرفین" تنها چیزی که آقای توکلی در این ماده بر متن قانون اساسی افزوده است، یعنی سرمایه‌دار بخش

خصوصی، تروریست‌های اقتصادی، کسانی که همیشه دندانان برای مکیدن شیر جان کارگر تیر است از جانب آقای توکلی مأمور شده‌اند که بجای وزارت کار تشخیص دهند مدت زمان کار چقدر باشد تا برای کارگر فرصت شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خودسازی معنوی، افزایش مهارت و شرکت در رهبری کشور باقی بماند. واقعا که مرجعاً به این "صراحت" آیا واقعا آقای توکلی نمی‌داند که اگر دست سرمایه‌دار باشد اینقدر کار دوش کارگر بار می‌کند که هوس فعالیت سیاسی، خودسازی معنوی، و شرکت در رهبری کشور پرسش نزنند؟ و اگر زد با کارگر همان رفتاری را می‌کند که رژیم شاه می‌کرد؟ برای هرکس که این پیشنهاد آقای توکلی را می‌خواند واقعا مساله است که آقای توکلی با چه انگیزه‌ای اینطوری صحبت می‌کند؟ آیا نمی‌داند و این حرف را می‌زند یا می‌داند و باز هم می‌زند؟ بنظر ما باید پاسخ همه این سولات را در میل مفرط آقای توکلی به دلسوزی خالصانه برای این سرمایه‌داران طاغوتی و تروریست‌های اقتصادی جستجو کرد.

لگد مال شدن حق کارگر در این فصل به حدی است که حتی برای بسیاری مدافعان سرمایه‌داری نیز این حرفها غیرمترقبه و دور از انتظار بود. پیش‌نویس درباره مرخصی‌ها تعطیلات و اضافه‌کاری حتی بدیهی‌ترین اصول را هم زیر پا گذاشته است. پیش‌نویس در این فصل در موارد زیر، حق کارگران را بطور آشکار لگدمال کرده است:

۱- در پیش‌نویس، ساعات کار روزانه و معادل هفتگی آن معین نشده و تعیین آن عملاً به نظر کارفرما منوط شده است.

۲- در پیش‌نویس، روزهای تعطیل مشخص نشده و تعطیلات منوط به موافقت کارفرما شده است.

۳- در پیش‌نویس، مدت مرخصی استحقاقی سالانه مشخص نشده و به کارفرما اجازه داده شده هرچند سال که دلش خواست با مرخصی رفتن کارگر موافقت نکند.

۴- در پیش‌نویس، هیچ صحبتی از الزام کارفرما به پرداخت مزد روزهای تعطیل و مرخصی سالانه به میان نیامده است و دست کارفرما باز است که مزد این روزها را ندهد.

۵- پیش‌نویس، اضافه‌کاری را "مجاز" اعلام کرده بدون آنکه حداکثر مدت، شرایط ضروری بودن آن و میزان اضافه دستمزد آن را معین کند.

قانون کار باید در فصل مربوط به ساعات کار مرخصی‌ها،

تعطیلات و اضافه کاری، حقوق زیر را برای کارگران در نظر بگیرد.

- ۱- ساعات کار، روزانه و معادل هفتگی آن باید در قانون کار معین و مشخص باشد و تمام کارفرمایان بخش دولتی و بخش خصوصی در واحدهای بزرگ و کوچک ملزم به رعایت آن گردند.
- ۲- اضافه کاری دائمی باید ممنوع شود. شرایط قانونی بودن اضافه کاری موقت، حداکثر ساعات آن، و درصد اضافه دستمزد آن باید در قانون کار تصریح شود.

- ۳- تعطیلات کارگری باید همان تعطیلات رسمی باشد. کارفرما باید دستمزد روزهای تعطیل را بپردازد.

- ۴- مرخصی های سالانه باید در قانون کار معین شود و کارفرما ملزم به پرداخت دستمزد این روزها گردد.

- ۵- ساعات کار روزانه، تعطیلات و مرخصی ها باید برای کارگران و کارمندان یکسان باشد. قانون کار باید هر نوع تبعیض را در این مورد از میان بردارد.

- ۶- ساعت کار روزانه برای کارهای سخت و زیانبار به نسبت سختی و زیانبار بودن آن باید طبق آئین نامه مخصوص کمتر از ساعات کار روزانه برای کارهای عادی تنظیم شود.

در زمینه حق تامین اجتماعی

سال های درازی کارگران و زحمتکشان میهن ما از هیچگونه تامین اجتماعی برخوردار نبودند. کارفرمایان به خود اجازه می دادند کارگری را که مریض بود یا بر اثر کار صدمه دیده بود بیرون بیاندازند. اگر کارگر مریض می شد علاوه بر اینکه می بایست بیکاری، یعنی گرسنگی را تحمل کند، هیچ پولی و پساندازی هم نداشت که خود را درمان کند. کارگر بعد از ۳۰ - ۴۰ سال کار اگر یک روز کار نمی کرد نان نداشت بخورد. از بارنشستگی خبری نبود. کارگران، سالخورده مجبور بودند بازم رنج کار را تحمل کنند و برای گذران زندگی بازم کار کنند. برای کارگر سانه دیده و معلول فقط یک راه وجود داشت: تکدی

مبارزه دسته جمعی، پیگیر و خستگی ناپذیر کارگران به تدریج کارفرمایان و دولت را تا حدی وادار ساخت که برای تامین اجتماعی کارگران ارسطر سیمه های درمانی، از نظر کارافتادگی، بازنشستگی، عمر و غیره صوابی را معین کنند و به اجرا درآورند. با این همه اکثریت توده مردم زحمتکش میهن ما همچنان فاقد پوشش بیمه و تامین اجتماعی هستند. میلیونها کارگر که هنوز هم هیچ مبری جز یک مزد بخور و نمیر ندارند اگر امروز مریض شدند، سانه ببینند، گرد بیری به چهره شان بنشینند و یا فوت شوند نه تنها هیچ کس به داد آنها نمی رسد، بلکه زن و فرزند آنان نیز مجبورند درد گرسنگی و تن دادن به دردناکترین شرایط را تحمل کنند.

با پیروزی انقلاب، این امید در دل میلیونها زحمتکش هم میهن ما جرفه رد که با بابودی رژیم منحوس شاه و تشکیل جمهوری اسلامی ایران دردها و رنج های کهنه و بی درمان گذشته درمان شوند و کارگران و زحمتکشان نیسر بتوانند با لحام زدن به غارتگری سرمایه داران و مالکین، از حداقل مواهب تامین اجتماعی برخوردار

شوند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به راستی به نحو
ناسنهای این امید سربین زحمتکشان ایران را پررنگتر کرد و ریشه
سار مساعدی برای تامین کامل این حق فراهم آورد. اصل ۲۹
قانون اساسی می‌گوید:

"برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری،
پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و
سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی
بصورت بیمه و غیره حتی است همگانی.

دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و
درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی
فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند."

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز در طرح برنامه خود
اجرای همین اصل را خواستار شده است. سازمان ما معتقد است که
گرچه برخورداری از تامین اجتماعی حتی است همگانی منتها در
شرایط اجتماعی ما این توده کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان
هستند که بظهور عمده از این حق محرومند. برای طبقه‌هاست
استثمارگر جامعه بیمه و بازنشستگی زیاد مطرح نیست. آنها اینقدر
غارت کرده‌اند که خیالشان تخت است که فردا گرسنه نخواهند ماند
بیمه و بازنشستگی مساله کسی است که به جز دویارو برای کار کردن
هیچ ثروت دیگری ندارد. به همین دلیل سازمان ما در طرح برنامه
خود پیشنهاد کرده است دولت برای تحقق این حق همگانی برای
کارگران، دهقانان زحمتکش و همه افراد تحت تکفل ایشان اولویت
خاص قایل شود.

میلیونها کارگر و زحمتکش هم‌میهن ما خواهان بیمه و تامین
اجتماعی هستند. مالانشین‌ها این مساله را برای خود "بیطریق
خصوصی" حل کرده‌اند. قانون کار می‌بایست کارفرمایان (بخش
خصوصی و دولتی) را موظف و مکلف کند که کارگران خود را بیمه
کنند و مقررات تامین اجتماعی را مراعات نمایند.

آقای توکلی و همفکران ایشان در برابر این سوال که اگر فردا
کارگر مریض شد، دستش زیر دستگاه رفت، اگر کارگر بی‌رخد، اگر
بچه کوچکش حصبه گرفت، اگر... چه کسی ضامن است؟
به پشتوانه افکار کاسی نظیر آقایان آذری قسی و مکارم
شیرازی می‌گویند احبار کارفرما به بیمه کردن کارگر "شرعی" نیست،
او معتقد است باید اشخاص خیر و نیکوکار "زیاد" بشوند و موسسات
خیریه درست کنند و از طریق انفاق و صدقه و نذورات از

"مستمدان" و اشخاص بی‌بضاعت "دستگیری کنند. او می‌گوید
هیچ وظیفه‌ای در این مورد بر عهده دولت نیست. آقای توکلی همین
اعتقادات صدمه‌زنی، بیرحمانه و توهین آمیزش را در پیش‌نویس
قانون کار پیاده کرده و گفته است: "ماده ۲۳ - کارپذیر می‌تواند
ضمن قرارداد کار یا صاحب کار شرط نماید که او را از نظر عمر،
بیماری، حوادث، از کار افتادگی و بازنشستگی و غیره بیمه نماید."

بدین ترتیب اگر کارفرمایان گفتند "بیمه بی‌بیمه" کارگر مجبور
است بپردازد و به این زورگویی "رضایت" دهد. چنانکه می‌بینید
این ماده با اصل ۲۹ قانون اساسی مغایرت آشکار دارد. آقای توکلی
با این حرف روی تمام تکالیف دولت را در زمینه "تامین اجتماعی"
که "حتی است همگانی" خط بطلان کشیده و مدعی گردیده است که
فقط کسانی باید از تامین اجتماعی برخوردار باشند که کارفرمای
ایشان رضایت دهد این حق را به آنها بدهد.

آقای معتد رضایی نیز در تفسیر ماده ۲۲ و روش "حل اختلاف"
کارگر و کارفرما بر بیمه می‌گوید "کارگر می‌آید می‌گوید، می‌گوید ما
قرارداد کردیم که ما بیمه کند و هیچ دلیلی هم ندارد که اینسرا
ثابت کند. کارفرما می‌گوید ما چنین شرطی نکردیم. یک قسم می‌خورد
که شرط نکردم و تمام می‌شود. دیگر دنبال مأمور رفتن، بدنبال
مردم رفتن، این حرفها هم‌ماش منتفی است."

بدین ترتیب حالا اگر کارگر بیمار شد و بخاطر نداشتن پول درمان
زمینگیر شد حتی جان خود را از دست داد، باز هم دنبال مأمور
رفتن و دنبال مردم رفتن این حرفها هم‌ماش منتفی است. واقعاً
فصاحت کارا سه است. ولع دفاع از سرمایه‌داری، تدوین کنندگان
پیش‌نویس را به جایی کشانیده است که حاضر شده‌اند نظم دست
بگیرند و غیرانسانی‌ترین قوانین را به رشته تحریر درآورند. اغراق
نیست اگر بگوییم با این حرفها مدافعان پیش‌نویس در دفاع از
"مالکیت" در برابر "اسانیت" روی "قوانین حموراسی" را سعید
کرده‌اند.

در زمینه حقوق زنان، کودکان و نوجوانان

آنچه در پیش‌نویس درباره زنان و کودکان گفته شده است، خیلی عریاں‌تر از سایر موارد، ماهیت ستیزانه و ضدکارگری پیش‌نویس را نمایان می‌کند. آنچه در پیش‌نویس درباره کودکان آمده است برآستی هراسان‌برانمیزد و نوع دوستی را ضایع می‌کند.

در قرن ما که از دیدگاه رهبر انقلاب قرن پروروی مستضعفین بر ستیزگان عالم است حتی طالبانه‌ترین قوانین هم بهره‌کشی از کودکان خردسال را تقبیح می‌کند. ارتجاعی‌ترین افراد هم در عصر ما به خود جرأت نمی‌دهند در قوانین بنویسند که اجازه دادن کودکان خردسال، کودکان ۶، ۷ ساله‌ای که هنوز نمی‌دانند کار چیست، بلا مانع است" اما مسافانه در وجود افرادی از قبیل آقای معتمد رضایی ظلم، آنجا ریشه کرده که می‌گوید:

"اینکه گازگر کمتر از ۱۲ سال نمی‌تواند کار کند، این موردی ندارد. براساس احکام شرع بچه را در حدی که ممیز باشد، پدرش می‌تواند از طرف او قرارداد امضا کند و بگذارد سوگاری."

مردمی که انقلاب کرده‌اند از این آقای معاون وزیر می‌پرسند: آیا واقعا این کار انسانی است؟ چگونه وجدان بشری اجازه می‌دهد کودکانی که هنوز نمی‌دانند و نمی‌توانند بدانند کار چیست و فقط "بالاجبار" بنابه حکم "صاحب کار" و از روی "ترس" از ترس کتک و گرسنگی پشت دارقالب‌بافی می‌نشینند، از درس خواندن، از آموختن از بازی کردن، از شادی کردن محروم شوند فقط براین خاطر که سرمایه‌دار می‌خواهد پولدارتر شود و بیشتر ظلم کند؟ اگر آقای توکلی روی اعتقاد عمل می‌کند و به حرف‌های خود پایبند است باید بگوید کجا این کودکان و نوجوانان "راضی" هستند که بجای مدرسه رفتن و باهم قدهای خودبازی کردن، بجای آموختن و رشد کردن روزی ۸، ۱۰، ۱۲ ساعت پادویی کنند

یا پشت کوره شیشه‌گری یا دارقالی بنشینند؟ علاوه براین اگر آقای توکلی به عنوان وریر کار دولت جمهوری اسلامی ایران مدعی است که به قانون اساسی پایبند است پس چطور از یک طرف طبق اصل سی‌ام قانون اساسی دولت را موظف می‌داند که "وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد." از سوی دیگر بخود اجازه می‌دهد پیش‌نویس بنویسد که در آن به سرمایه‌داران و کارفرمایان اجازه می‌دهد حتی کودکان کمتر از ۱۲ سال را هم از رفتن به مدرسه محروم کنند و از آنان بهره‌کشی کنند؟ اگر قانون اساسی بهره‌کشی از نوجوانان و جوانان را از تحصیل کردن آنان منتهی می‌شود در این صورت در قانون اساسی دولت موظف می‌شود "وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد." اگر قانون اساسی مطابق خط آقای توکلی نوشته می‌شد طبقا اصل سی‌ام هم به این صورت درمی‌آمد که "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه برای همه کسانی که سرمایه‌داران آنها را اجازه نگذارد فراهم سازد."

مسافانه ظلم و ولع جانبداری از سرمایه‌دارها چنان در اعماق وجود این پیش‌نویس ریشه کرده که هر گوشه‌اش را بشکافی فاجعه‌ای را کشف می‌کنی. تعجب واقعا اینجاست که تدوین کنندگان این پیش‌نویس چگونه به خود جرأت داده‌اند در این جو جامعه انقلابی ما چنین حرف‌هایی را عنوان کنند.

در جامعه‌ای که در راه عدالت اجتماعی گام برمی‌دارد باید اصولاً بکارگماردن کودکان و نوجوانان بکلی ممنوع شود تا امکان تحصیل و پرورش آنان فراهم گردد. بکارگماردن آنان در سنین زیر ۱۵ سال عملاً زیانهای جبران ناپذیری به رشد و تکامل جامعه وارد می‌سازد. نوجوانان باید به مدرسه بروند تا سرمایه‌های معنوی ارزشمند جامعه فردای ما باشند. اما واقعیت اینست که در شرایط فعلی در کشور ما، از یک سو فقری دردناک و از سوی دیگر کمبود و نبود امکانات آموزشی در سطح مدارس راهنمایی اکثریت نوجوانان ما را بویژه در روستاها مجبور می‌سازد از رفتن به مدرسه محروم شوند و برای گذران زندگی به کارکردن تن دهند. انقلاب می‌تواند و باید این واقعیت تلخ را در مدتی نه‌چندان طولانی دگرگون سازد و مانع از آن گردد که فقر، نوجوانان ما را مجبور کند پرشتاب‌ترین و پربارترین سال‌های رشد خود را برای گیر آوردن یک لقمه نان تلف کنند. ولی به‌رحال تازمانی که این واقعیت تلخ در کشور ما وجود

دارد قانون کار باید تا آنجا که ممکن است اولاً این تلخی‌ها را تعدیل کند. ثانیاً نگذارد سودجویی‌های سرمایه‌داران حقوق نوجوانان و جوانان را لگدمال کند.

بدین منظور در قانون کار باید اصول و ضوابط زیر به روشی تصریح شود:

- بکارگزاران کودکان حتی تحت عنوان "کارآموزی" باید به کلی ممنوع شود و خاطیان از این اصل تحت پیگرد قرار گیرند و به کیفر عمل خود محکوم شوند.

- ساعات کار نوجوانان نباید به هیچوجه از ۴ ساعت در روز و ۲۴ ساعت در هفته تجاوز کند.

- سپردن کار به نوجوانان نباید مانع تحصیل و آموزش آنان گردد.

- اضافه کاری برای نوجوانان بکلی قندغن شود.

- سپردن کارهای سخت و زیانبار و کلیه مشاغلی که مانع رشد طبیعی و پرورش جوانان و نوجوانان می‌گردد باید اکیداً ممنوع شود.

- در برابر کار مساوی بزرگسالان، جوانان و نوجوانان باید مزد مساوی پرداخت شود و سایر مزایا و حقوقی هم که قانون کار برای کارگران در نظر گرفته باید در مورد نوجوانان و جوانان نیز رعایت گردد.

در پیش‌نویس آقای توکلی تقریباً اثری از آثار حقوق ویژه‌ای که قانون کار باید برای زنان در نظرگیرد به چشم نمی‌خورد. همه آنچه که پیش‌نویس درباره حقوق زنان گفته در دو ماده ۵۴ و ۵۵ آمده است.

ماده ۵۲ که کارکردن زنان را به رضایت شوهران آنها موقوف می‌کند نقض آشکار حقوق زن است. در حالیکه اصل بیستم قانون اساسی می‌گوید: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند." آقای توکلی قانونی می‌نویسد که کار کردن زن را منوط به اجازه شوهر می‌کند. در حالیکه اصل بیست و یکم می‌گوید: "دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید." در حالیکه همین اصل ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را وظیفه دولت اعلام می‌کند پس چطور آقای توکلی ذبح پیش‌نویس خود حق داشتن شغل را از زنان سلب

می‌کند؟ آیا آقای توکلی می‌خواهد با "خانه‌نشین" کردن زنان "زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او" فراهم کند. آشکارا پیداست که آقای توکلی از سلب حق داشتن شغل از زنان تا چه حد پاهندی خود را به قانون اساسی نشان داده است!!!

در ماده ۵۵ نیز ظاهراً آقای توکلی گفته است: "طرفین مکلفند مرخصی‌ها و شرایط لازم برای ایام بارداری، زایمان و حفاظت طفل را معین نمایند" و تبصره همین ماده اضافه می‌کند "اگر مرخصی‌ها و شرایط فوق معین نشود برحسب مورد عرف معمول لازم‌الرعایه است." تعجب اینجاست که چرا آقای توکلی در مقام وزیر کار عملاً این صلاحیت را در خود ندیده است که مدت مرخصی زایمان و "شرایط لازم برای ایام بارداری، زایمان و حفاظت طفل" را معین کند؟ چرا تشخیص "عرف معمول" را برعهده خود ندانسته است.

زیرا آقای توکلی بنا بر اعتقادات خود مایل نیست دست کارفرما را در زورگویی به زنان کارگر ببندد. لایحه در اینجا هم اگر از آقای معتد رضایی بپرسی اگر در تشخیص "عرف معمول" بین زن کارگر و کارفرما اختلاف پیشی آمد ملاک چیست آقای معاون می‌گوید زن قسم می‌خورد عرف معمول برای مرخصی دوره زایمان در ایران باید سه ماه باشد. کارفرما قسم می‌خورد "این حرفها کدام است؟ عرف معمول برای زایمان سه روز است." قول کستر! قبول می‌شود و طرفین می‌روند بی‌کارشان! روی امتناع از تعیین مدت مرخصی زایمان در قانون کار هیچ اساسی جز بیرحمی و شقاوت نمی‌توان گذاشت این موضوع وقتی آشکارتر می‌شود که بدانیم پیش‌نویس معلوم نکرده است مرخصی زایمان با استفاده از حقوق است یا بدون آن. طبیعتاً در این مورد هم نظر آقای توکلی اینست که "بسته به رضایت کارفرماست. اگر دانه‌زن هم باید رضایت دهد که این حقوق را بگیرد و گرنه صاحب کار اجبار ندارد که حقوق زایمان را بدهد." همچنین است درباره زمان شیردادن و یا مراعات حال زن باردار در جریان کار.

قانون کار اگر بخواهد به روح انقلاب و نص قانون اساسی وفادار باشد باید حقوق زیر را بطور صریح و مشخص برای زنان کارگر در نظر بگیرد.

- زنان باید طبق آیین‌نامه مخصوص از انجام کارهای شاق و سنگین و از اضافه‌کاری بطور کلی معاف شوند و در دوران بارداری از سپردن کارهایی که به سلامت مادر و فرزند لطمه می‌زند مطلقاً

خودداری شود.
- زنان باید به هنگام زایمان از سه ماه مرخصی با حقوق کامل استفاده کنند. اخراج زنان در مدت مرخصی زایمان باید مطلقاً ممنوع شود.

- زنان شیرده باید حق داشته باشند حین ساعات کار به فواصل حداکثر سه ساعت به مدت نیمساعت فرزند خود را شیر بدهند این مدت باید جزو ساعات رسمی کار حساب شود.

- در هر کارخانه یا کارگاه کارفرما مکلف است برای زنانی که دارای فرزند خردسال هستند محلی را برای ایجاد مهدکودک اختصاص دهد. در غیراینصورت کارفرما باید قانوناً هزینه نگهداری طفل در مهدکودک سایر واحدها را تقبل کند.

- کارفرما موظف است در برابر کارساوی به زنان و مردان حقوق مساوی پرداخت کند. قانون کار باید هر نوع تبعیض براساس جنسیت را ممنوع کند و تصریح کند که حقوق ویژه‌ای که برای زنان کارگر در نظر گرفته می‌شود ناقض هیچ یک از حقوقی نیست که قانون کار برای کلیه کارگران در نظر می‌گیرد.

در زمینه حق مشارکت در اداره و برنامه‌ریزی تولید

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب شرکت کارگران در مدیریت واحدهای تولیدی و کسب حق نظارت و کنترل در برنامه‌ریزی و مدیریت این واحدهاست. اگر این مشارکت نبود. اگر این کنترل و نظارت نبود واحدهای تولیدی پس از انقلاب هرگز راه نمی‌افتادند. اگر این مشارکت نبود کارخانه‌های کشور ما عرصه یکه‌تازی ضدانقلاب بویژه لیبزالی‌های آمریکا زده بود. اغراق نیست بگوئیم اگر این کوشش کارگران نبود اقتصاد صنعتی ما نمی‌توانست خود را از چنگ توطئه‌های ضدانقلاب نجات دهد. قانون اساسی بروشنی متوجه اهمیت این مشارکت است و بر همین اساس در اصل ۱۰۴ بروشنی این حق کارگران و کلیه کارکنان را تضمین کرده است.

اما آقای توکلی و همفکران ایشان حق مشارکت کارگران و اصل ۱۰۴ را نیز منوط به رضایت کارفرما می‌کند.

ماده ۲۴ پیش‌نویس در بخش خصوصی مشارکت و نظارت نمایندگان کارگران در اداره تولید را منوط به رضایت کارفرما و در بخش دولتی در واحدهای بزرگ منوط به موافقت هیات وزیران می‌کند. یعنی اگر کارفرمایان بخش خصوصی با دولت (درواحدهای بزرگ دولتی) موافق رعایت اصل ۱۰۴ نبودند می‌توان از اجرای این اصل صرف‌نظر کرد.

به نظر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قانون کار باید بلااستثناء به اصل ۱۰۴ قانون اساسی پایبند و وفادار باشد. قانون کار فقط باید شکل این مشارکت را در واحدهای بخش دولتی و خصوصی، در واحدهای بزرگ و کوچک، و در رشته‌های مختلف تعیین کند نه اینکه در اساس، آن را به موافقت این و آن موکول کند.

به نظر ما از طریق تشکیل شورائی مرکب از نمایندگان مدیریت و نمایندگان انجمن صنفی کارگران، که می‌توان نام "شورای هماهنگی" را برای آن پذیرفت، و همچنین از طریق بستن پیمان‌های دسته‌جمعی در میان مدیریت و نمایندگان شکل‌های کارگری می‌توان و باید اصل ۱۰۴ قانون اساسی را به نحو احسن به اجرا درآورد.

به نظر ما در "پیمان دسته‌جمعی کار" باید یکایک موارد مربوط به برنامه‌ریزی و اداره تولید، از قبیل حجم کار، مسدودت آن، نیروها و ماشین‌آلات، زمانبندی پیشرفت، حقوق و وظایف و تعهدات طرفین و موارد ضروری دیگر قید شود و مورد موافقت نمایندگان کارگران و نمایندگان مدیریت قرار گیرد.

در پیش‌نویس آقای توکلی ظاهراً یک فصل جداگانه (فصل ششم) به پیمان‌های دسته‌جمعی اختصاص داده شده است اما این فصل، که مجموعاً فقط یک ماده است، هیچ چیز و مطلقاً هیچ چیز نگفته است. تو گوئی فقط "برای خالی نبودن عریضه" در پیش‌نویس از "پیمان‌های دسته‌جمعی کار" نام برده شده و فقط نام برده شده است. تو گوئی این فصل را آقای توکلی برای این نوشته است که بگوید "هرکس قراردادی با دیگری می‌بندد باید آن را رعایت کند". این است تمام مضمون فصل ششم پیش‌نویس قانون کار آقای توکلی تازه این تمام ماجرا نیست. تدوین کنندگان پیش‌نویس حتی همین را هم قبول ندارند. آقای معتد رضائی می‌گوید: "نکته قابل اهمیت اینست که پیمان دسته‌جمعی صرفاً یک قول و قرار است و اعتباری ندارد، یعنی هر موقع می‌توانند بهم بزنند"

بهر حال چه آقای توکلی بپسندد چه نپسندد، نیاز انقلاب ما و مافع توده مردم زحمتکش ایجاب می‌کند که قانون کار به روح اصل ۱۰۴ قانون اساسی وفادار باشد و ترتیبی منطقی و بدون ابهام و نقص را برای تأمین مشارکت کارگران در اداره تولید، برنامه‌ریزی و مدیریت آن معین کند. قانون کار باید مقررات تشکیل، حدود اختیارات و وظایف شورائی متشکل از نمایندگان مدیریت و نمایندگان شکل صنفی کارگران را با توجه به مفاد اصل ۱۰۴ قانون اساسی تدوین و مشخص کند و از این طریق و همچنین از طریق تشریح کامل مضمون، ضوابط و قلمرو عملکرد پیمان‌های دسته‌جمعی کار به اعتناش و ابهام در رابطه بین مدیریت و کارکنان پایان دهد. حق کارکنان در زمینه مشارکت

در اداره تولید و برنامه‌ریزی آن را تأمین نماید. تعهدات و وظایف و اختیارات طرفین را در روند کار معین نماید. و بویژه سهام و شرایط شایسته‌ای را برای هماهنگی میان کارکنان و مدیریت و حل اختلاف میان کارگران و مدیریت را بی‌ریزی کند. این شورا و این مقررات نه تنها به کارگران اجازه می‌دهد که در مدیریت کارگاه و اداره تولید (چه در بخش دولتی، چه در بخش خصوصی) مشارکت و نظارت داشته باشند، بلکه علاوه بر آن، مبدان می‌دهد که در تدوین و اجرای قانون کار انقلابی نیز توده کارگران نقش فعال و موثری را برعهده گیرند.

و دستزد کارگران محکوم می‌کند.

قانون کار باید وظایف دولت و کارفرمایان را در زمینه حفظ ایمنی و بهداشت محیط کار به صراحت معین کند. در پیش‌نویس ظاهراً مقررات ویژه‌ای در این زمینه در نظر گرفته شده است. اما چگونه می‌توان مطمئن شد که اصول ایمنی و بهداشت محیط کار و مقررات مربوطه اجرا و رعایت می‌شوند؟ یگانه وسیله اطمینان از این موضوع "بازرسی کار" است. اما بازرسی کار فقط وقتی قابل اطمینان است که توسط نمایندگان خبره و متعهد و واقعی خود کارگران صورت گیرد. اگر قرار باشد بازرسی کار توسط کسانی جز نمایندگان مورد اعتماد کارگران انجام شود کوچکترین اطمینانی به آن نمی‌توان داشت.

بازرسی کار در زمان طاغوت هم معمول بود هم تاکنون هم ظاهراً معمول است. اما روزی نیست که نخوانیم و نسیم که جان کارگری فدای سودجویی سرمایه‌دار شده است. به عقیده ما و بنا به تجربه خود کارگران دلیل اصلی این کار آنست که کارفرما خود را ملزم به رعایت توصیه‌ها و هشدارهای کارگران نمی‌داند. در قانون کار علاوه بر اینکه باید وظایف کارفرمایان و دولت در زمینه حفظ ایمنی کار و بهداشت محیط دقیقاً معین شود باید وظیفه بازرسی کار بر عهده نمایندگان منتخب انجمن صنفی (شورا، سندیکا، اتحادیه و...) کارگران قرار گیرد. و به این بازرسان اختیارات قانونی کافی داده شود که با همکاری مسئولان وزارت کار بر رعایت مقررات ایمنی کار و بهداشت محیط نظارت کند.

در پیش‌نویس هیچ اشاره‌ای به وظایف کارفرمایان و دولت در زمینه کمک به کارآموزی و افزایش سطح دانش و مهارت فنی کارگران نشده است. قانون کار باید طبق آئین‌نامه‌های ویژه وظایف و تعهدات کارفرمایان و دولت در زمینه کمک به آموزش علمی، فنی و حرفه‌ای کارگران را معین کند. از جمله قانون کار باید تصریح کند که کارفرمایان موظفند مقررات و ابلاغیه‌های دولت در زمینه تشکیل کلاس‌های موادآموزی، آموزش سی، بهداشت کار و... در ساعات کار را مراعات کنند و ساعات مربوطه را به حساب ساعات کار کارگران منظور دارند.

در سایر موارد

در سایر فصول پیش‌نویس آقای توکلی نیز، حقوق حقه کارگران پامال شده و مصالح و دستاوردهای انقلاب نادیده گرفته شده‌اند. - پیش‌نویس از هیات‌های حل اختلاف نام برده است. اما در واقع در این هیات‌ها نمایندگان مستقیم کارگران نقشی ندارند. اعضای هیات‌های حل اختلاف را وزارت کار انتخاب می‌کند. با وجود سرمایه‌دار و سرمایه‌داری و سودجویی و زورگوشی او وجود و ادامه اختلاف در محیط‌های کار، امری عادی و روزمره است. اگر قرار باشد این اختلافات در جایی طرح شوند و مورد رسیدگی قرار گیرند، طبعاً اولین و مناسب‌ترین جا همسان "شورای هماهنگی" است که مطابق اصل ۱۰۴ تشکیل می‌شود. در هر حال چنانچه اختلاف میان کارگر و کارفرما در این شورا حل نشد یک اصل نباید به صراحت در قانون کار پذیرفته شود و آن اینکه در مناسبات کار و حقوق طرفین چه اختلاف بین یک کارگر و کارفرما باشد و چه اختلاف میان عدماهی از کارگران و کارفرما باشد، چه مورد اختلاف تمام کارگران را در بر گیرد چه این اختلاف در شورای هماهنگی حل شود، چه مسأله به ارکانهای مسئول دولتی مراجعه شود، در هر حال نمایندگان انجمن صنفی کارگران (نمایندگان شوراها یا سندیکاها یا کارگری) تنها کسانی هستند که از حقوق کارگر یا کارگران مزبور نمایندگی می‌کنند. تنها خود کارگر یا کارگران مزبور هستند که حق دارند نماینده یا نمایندگان خود را عزل کنند. این موضوع باید در مواد مربوط به هیات‌های حل اختلاف در قانون کار گنجانیده شود. قانون کار باید تصریح کند هرگاه به علت تخلف کارفرما از قوانین کار کارگران مجبور به دست کشیدن از کار شدند و یا متحمل هر نوع ضرر و زیان گردیدند دادگاه کارفرما را به تأدیه تمام خسارت

تحقیرو توهین به کارگران یکی از مهمترین اهداف پیش‌نویس است.

بند بند پیش‌نویس قانون کار بطرز کاملاً "موزیان‌های حواسته است به کارگران اینطور القا کند که حای طبقه کارگر و زحمتکش در اسفل‌السافلین و حای طبقه سرمایه‌دار صاحب مال در اعلی‌علین است. پیش‌نویس از هیچ‌گونه توهین و تحقیری نسبت به طبقه کارگر فروگذار نکرده است.

پیش‌نویس مقام انسان شریف و زحمتکش را که به قول امام خمینی "حیات و معات هر کشور بدست اوست، صاحب "مال‌الاحاره" تنزل می‌دهد و این بدترین توهین به انسان و انسانیت است. انسان زحمتکش در قاموس آقای توکلی با کالسه و زمین و مال و حشم تفاوتی ندارد. در چشم آقای توکلی ارزش ثروت بیش از ارزش خود انسان است. مقیاس ارزش‌ها در نزد طراحان پیش‌نویس "مال" است. آقای توکلی ثروت مادی را مینا و مقیاس ارزش قرار می‌دهد و به انسان زحمتکش نیز دقیقاً از این زاویه نگاه می‌کند. امام خمینی همین چندی پیش در دیدار با مسئولان نهضت سوادآموزی می‌گویند:

"طبقه‌ای که اسم خودشان را طبقه اشراف و اعیان گذاشته بودند ارزش پیش آنها این بود که چند تا نوکر داشته باشند چند تا ده داشته باشند چند تا اسب داشته باشند و چند تا سگ و تازی داشته باشند. در پیش سرمایه‌دارها هم ارزش به زیادی سرمایه و روی هم انباشتن سرمایه‌ها و پرکردن بانک‌ها و تجارتخانه‌ها از اموال، از هر راهی باشد بود.

امام خمینی سپس متذکر می‌شوند:

"اگر اسب مبداء ارزش یک انسان شد اسب ارزشش بیشتر از خود انسان است... انسان خودش ارزش ندارد ارزشش به گاوداری است گاوها ارزششان بیشتر از خود انسان است."

به عقیده ما درست همین دیدگاهی که مبداء و مقیاس ارزش را "مال" قرار می‌دهد و انسان زحمتکش را تا سطح مال‌الاحاره تنزل می‌دهد، دیدگاهی که به انسان زحمتکش مثل یک کالا

نگاه می‌کند، کالائی که می‌توان آن را دست به دست کرد، روی آن بورس بازی کرد، آن را فروخت، خرید، احتکار کرد، دیدگاه طراحان پیش‌نویس قانون کار است. این آقایان می‌خواهند ارزش والای کارگرانی را که با انقلاب خود زنجیرهای اسارت رژیم پهلوی را شکست‌اند، تا حد بردگانی که قبل از ۱۳۰۰ سال پیش در عصر جاهلیت خرید و فروش می‌شدند تنزل دهند.

راستی قصداً اینها از این نحوه برخورد چیست آراست اینست که یکی از شرکده‌های طبقات اعیان و اشراف و سرمایه‌دارها برای مال‌اندوزی بیشتر و برای ترسانیدن زحمتکشانی که تمام ثروت‌های اجتماعی را تولید می‌کنند آن بوده و هست که ثروت را می‌سازد ارزش انسان قرار دهند، کارکردن را تحقیر کنند، شأن انسان کارگر را پایین‌تر از شأن پول و سرمایه و ملک قرار دهند و از این طریق جوی در جامعه درست کنند که کارگر و زحمتکش در برابر صاحبان سرمایه‌ها و صاحبان املاک خضوع و خشوع کند خود را تحقیر و سرمایه‌دار را تکریم کنند و راضی شوند برضای سرمایه‌دار و فئودال.

آقای توکلی با این تاکتیک‌ها تلاش دارد راه خودکامگی سرمایه‌دار و به تسلیم گشتادن کارگر را هموار کند. و کارگران را به بردگان مطیع اراده سرمایه‌دار تبدیل کند. بند بند پیش‌نویس آقای توکلی را که بخوانید می‌بینید که این روحیه و این شگرد و این القائات در آن موج می‌زند: برای بی بردن به این شگرد اشاره به اولین عبارات پیش‌نویس کافیت آقای توکلی پیش‌نویس را اینطور شروع می‌کند:

بسم الله الرحمن رحیم

فصل اول - کلیات -

ماده ۱- کارپذیر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان طبق قرارداد کار بر صاحب کار و یا به درخواست او در مقابل دریافت اجرت، کار می‌کند.

کارگران به کلسه کلسه این ماده و ماده‌های بعد اعتراض دارند. اولاً چه کسی به آقای وزیر کار اجازه داده است که خودسرانه اسم کارگر را بردارد و جای آن اسم انحرافی، جمع‌گویی و توهین‌آمیز "کارپذیر" را قرار دهد در ثانی نامبرده با این کار می‌خواهد در جهت جا انداختن پیش‌نویس و افکار خود استفاده کند. آقای وزیر کلسه "کارپذیر" را به این دلیل انتخاب کرده است که به کارگران اینطور القا کند خودتان "پذیرفتناید"

(یعنی رعایت داده‌اید) که با شرایطی که سرمایه‌دار تعیین کرده است کار کنید. بنابراین حق اعتراض ندارید و باید تسلیم باشید.

نالتا "آقای توکلی در اینجا کلمه "حقوق" را حذف کرده و کلمه "اجرت" را جای آن گذاشته. هدف از این تاکتیک جا انداختن این روحیه در میان کارگران است که گویا آنچه که کارفرما به کارگر می‌دهد قبل از آنکه جنبه "حق" داشته باشد جنبه "اجرو پاداش" دارد و مرحمتی است.

راجا "آقای وزیر کار خیلی ماهرانه در اینجا یک قلم بطلان روی تمام تعهداتی گنجه‌ده است که کارفرما باید علاوه بر پرداخت دستمزد مقرر در قبال کارگران بر میده بکشد. حقوق کارگر در قبال کارفرما علاوه بر مزد عبارت است از تمام آن حقوقی که باید در قانون کار تصریح شود. اگر آقای توکلی برای طبقه کارگر ارزشی بیش از حق دریافت پاداش از "صاحب کار" قابل بود در اینجا بجای عبارت "در مقابل دریافت اجرت" می‌نوشت "در مقابل تعهد رعایت تمام حقوقی که این قانون برای کارگر در نظر می‌گیرد".

قانون کار جمهوری اسلامی ایران، قانونی که شایسته انقلاب باشد قانونی است که در بند آن همان روحیه‌ای منعکس شود که رهبر انقلاب در برخورد با طبقه کارگر و مردم زحمتکش دارند. قانون کار باید آشنمای باشد که نشان دهد که حق با کارگران است، آنها هستند که زحمت می‌کنند. آنها باچهره نیستند، آنها آفریننده ارزشهای مادی هستند نه همطراز آن. قانون کار باید بند احترام به شخصیت والای انسان زحمتکش باشد. قانون کار باید نقش خلاق طبقه کارگر در سرنوشتی و گسست و موهنات ظالمانه و زورگویانه نظام پهلوی را منعکس کند. قانون کار باید نقش خلاق و زندگی‌ساز طبقه کارگر را در سازندگی این چنین انقلابی منعکس کند. و متأسفانه در پیش‌نویسی که از سوی طراحان و مدافعان آن ارائه شده است از این همه هیچ نشانی نیست. هم از این روست که امروز هرکس که قلبش با مردم است. هر کس از انقلاب دفاع می‌کند خواهان آنست که قانون کار بر اساس قانون اساسی، با استفاده از نظریات پیروان اصل خط امام و با مشارکت فعال توده کارگران تنظیم شود. ما فکر می‌کنیم اگر چنین شود بیگمان قانون کار ما نیز آینه حد زرفش انقلاب ما خواهد بود.

در خاتمه

بررسی و کاوش بیشتر در پیش‌نویس قانون کار نمونه‌های دردناک تازه‌تری از نقض حقوق کارگران، از بی‌اعتنایی به نص و روح قانون اساسی و از توهین به مقام و شان انسان زحمتکش را برملا می‌کند. این پیش‌نویس برای غیر قابل اجرات. نه به این دلیل که ناقص است و موارد بسیاری را که باید پیش‌بینی کند از قلم انداخته بلکه دقیقاً به این دلیل که سطح توقع انقلاب ما سطح انتظار مردم ما از جمهوری اسلامی ایران در رعایت حقوق کارگران و در پایبندی به قانون اساسی و اهداف انقلاب تا آنجاست که دیگر هیچ راهی برای حائداختن و خورانبیدن چنین قوانینی به مردم باقی نمانده است. واکنش وسیع توده کارگران در همین یک ماه‌های که پیش‌نویس منتشر شده است دقیقاً بیانگر همین واقعیت است که این پیش‌نویس غیر قابل اجرا است.

سارزه آحادی که پیرامون قانون کار و حقوق کارگران در جریان است تا همین امروز به دستاوردهای بسیار گرانقدری رسیده است. این سارزه به رشد شایسته توده کارگران از مدافعان و مخالفان پیشرفت انقلاب کمک قابل ملاحظه‌ای کرده است. کارگران، امروز به روشنی درک می‌کنند که حرفه‌اشی که آقای توکلی می‌زند از حرف‌های قانون اساسی، از حرفه‌اشی که جمهوری اسلامی ایران به آنان وعده می‌دهد جداست. کارگران درمی‌یابند دو برداشت از "فقه اسلامی" و "موازین شرعی" وجود دارد، کارگران می‌بینند آنچه آقای منتهد رضایی در سمینار سخانیات عنوان می‌کند خلاف نویدهای امام خمینی است و خلاف حرفه‌اشی است که آقای اردبیلی در همان سمینار بیان کرده‌اند.

کارگران در جریان این سارزه‌های که هر دم گسترش بیشتری می‌یابد بیش از پیش خود را درمی‌یابند و متکثرتر و نیرومندتر

از گذشت برجم دفاع از انقلاب و قانون اساسی را برمی افرازند. آنها بیش از پیش درک می کنند که پشتیبانی متشکل ایشان از خط اصلی و انقلابی امام خمینی راه پیشرفت باز هم بیشتر انقلاب را می گشاید. آنها روز به روز بیشتر درمی یابند که چگونه جریانات راست که از سرمایه داری دفاع می کنند، راه خود را جدا می کنند و بیش از پیش در برابر مردم و بویژه کارگران می ایستند. کارگران روز به روز بیشتر درمی یابند که چگونه بیرون خط اصلی و انقلابی امام خمینی همراهان واقعی آنان هستند و در مقابله با تهاجم راست، در مقابله با توطئه های ضدانقلاب، در بیرون راندن امپریالیسم و در آزاد سازی صیبن از دست تجاوزگران، در صبار جهاولگری سرمایه داران و درمان حادثه های زحمتکشان، یعنی در اساسی ترین خواسته های طبقه کارگر در کنار طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش ایران قرار دارند.

سازمان ما امید بسیار دارد که این جوشی که میلیونها کارگر زحمتکش هم صیبن ما از خود نشان می دهد نه تنها جنبه مبارزه در راه قانون کار را با پیروزی های درخشان و بزرگ آذین بندی کند، بلکه آشنه ای گردد ناپسنگر پیشرفت جمهوری اسلامی ایران و مجموعه انقلاب ما در مسیر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی.

پایان